

پرونده شماره ۶۸

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۶۸ - ۲۴۴

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
شیت شد - FILED	
Date	8 AUG 1986
	۱۳۶۵ / ۵ / ۱۲
No	68
	شماره

حوارد نیلز تامن اند برگندوف،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

وزارت راه و ترابری، و

بانک تجارت (جانشین بانک بین المللی ایران و ژاپن)،

خواندگان.

حکم

حاضران :

آقای مایکل آر. سپلورمن،

از طرف خواهان:

آقای مارک کلادفلتر،

خانم فلورانس آر کینان،

خانم اگنس تیا،

وکلای خواهان،

آقای ویلیام واکتر،

آقای رابرتس دہلیو. اسمیت،
نمایندگان خواہاں،

از طرف خواندگان:

آقای محمد کریم اشراق،

نمایندہ رابطہ جمہوری اسلامی ایران،

آقای ابوالحسن محمدی،

مشاور حقوقی نمایندہ رابطہ،

آقای سہراب ربیعی،

آقای سید مصطفی درجہ زادہ،

دستیاران نمایندہ رابطہ،

آقای مرتضی ضیائی ،

وکیل وزارت راہ،

آقای یداللہ قصیری،

مشاور مالی وزارت راہ،

آقای سہروس ریاحی ،

آقای احمد آدی بگ،

آقای صادق صادق زادہ،

مشاورین فنی وزارت راہ،

آقای علی اکبر مغان جوقی ،

آقای علی اصغر عساری،

نمایندگان وزارت راہ،

آقای سعید نیازی،

نمایندہ بانک تجارت،

آقای حسن شہخ الاسلامی،

نمایندہ سازمان تائمیں اجتماعی،

سایر حاضران :

آقای جان کروک،

نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،

آقای دیوید بالسن،

مشاور نماینده رابط.

فهرست مندرجات

یک - سوابق امر

دو - واقعیات

الف - سابقه

ب - قرارداد

ج - پیشرفت کار

د - تجدید ارزیابی و برجینی

سه - صلاحیت

الف - ادعاها

ب - ادعای متقابل بانک تجارت

ج - ادعاهای متقابل وزارت راه و ترابری

۱ - ضمانتنامه ها

۲ - اجرای قرارداد بطور ناقص

۳ - مالیات و حق بیمه اجتماعی

چهار- دلائل حکم

الف - ادعاها

۱ - حق الزحمه بابت خدمات انجام شده

الف - مهالغ سیاهه شده

(۱) - اضافه کار

(۲) - نظارت عالیه

(۳) - اعتراض نسبت به صورتحسابهای خاص

الف - صورتحسابهای شماره ۵۷ و ۵۹

ب - صورتحساب شماره ۵۳

ج - صورتحساب نقشه

د - صورتحسابهای ام

۴ - نتیجه گیری

ب - مبالغ سپاهه نشده

(۱) - اضافه کار

(۲) - نظارت عالی

(۳) - نتیجه گیری

۲ - ضمانت حسن انجام کار

۳ - بازپرداخت بابت تسهیلات مخارج

۴ - هزینه های برچیس تجهیزات

۵ - تاریخ تبدیل ارز

۶ - خلاصه

ب - ادعاهای متقابل

۱ - ادعاهای متقابل مربوط به ضمانت نامه های بانکی

۲ - ادعاهای متقابل مربوط به نقص مدیریت در کار پیمانکاران

پنج - بهره

شش - هزینه ها

هفت - حکم

یک - سوابق امر

۱ - خواهان هوارد نیدلز تامن اند برگندوف (اچ ان تی بی)، شرکت مدنی که در میسوری ایالات متحده آمریکا فعالیت دارد، در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبان ماه ۱۳۶۰) دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، وزارت راه و ترابری و بانک بین المللی ایران و ژاپن ("بانک بین المللی" یا "بانک تجارت") (که مجتمعا "خواندگان" نامیده می شوند) به ثبت رساند که حاوی خواسته های زیر بود: (۱) پرداخت مطالبی که حسب ادعا، وزارت راه و ترابری به موجب قرارداد مهندسی مشاور ("قرارداد") مورخ ژوئیه ۱۹۸۶ با هوارد نیدلز تامن اند برگندوف - ایران با مسئولیت محدود، (اچ ان تی بی - ایران، یک شرکت ایرانی ظاهرا تحت کنترل اچ ان تی بی) پدھکار است، (۲) وصول وجوه تودیمی اچ ان تی بی - ایران در بانک بین المللی، و (۳) خسارت بابت سلب مالکیت ادعائی از بعضی از دارائیهای اچ ان تی بی - ایران.

۲ - بانک تجارت و وزارت راه دفاعیات خود را به ثبت رساندند. بانک تجارت ادعای متقابلی علیه اچ ان تی بی، دولت ایالات متحده آمریکا و فرست نشنال بانک او شیکاگو (اف ان بی سی) مطرح کرد. وزارت راه چندین ادعای متقابل تنها علیه اچ ان تی بی به ثبت رساند.

۳ - شعبه دو طی دستور مورخ ۲۳ مارس ۱۹۸۲ (دوم فروردین ماه ۱۳۶۱) صلاحیت رسیدگی به پرونده را به دیوان عمومی احاله نمود تا صرفا راجع باین امر تصمیم گیرد که آیا قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در ماده ۲۱ قرارداد، ادعاهای ناشی از قرارداد را بموجب بند یک ماده ۲ بیانه حل و فصل دعاوی، از صلاحیت دیوان مستثنی می سازد یا خیر. دیوان عمومی طی قرار اعدادی شماره ۶۸ - ۳ مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) نظر داد که ماده ۲۱ قرارداد مشمول قید استثنای مرجع رسیدگی، مندرج در بیانه حل و فصل دعاوی، نیست و سپس پرونده را جهت ادامه رسیدگی مجددا به شعبه دو

ارجاع نمود. موضوعاتی که قرار اعدادی درباره آن نظر داده در این حکم مورد بحث قرار نگرفته است.

۴ - در پاسخ به ادعای متقابل بانک تجارت، اف ان بی سی و ایالات متحده جوابیه هائی را ثبت و طی آن نسبت به طرح ادعاهای متقابل علیه اشخاص ثالث اعتراض کردند. دیوان طی دستور مورخ دوم ژوئن ۱۹۸۳ (۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۲) در پاسخ به درخواست اف ان بی سی تایید کرد که "چون بانک خود را به عنوان خواهان پرونده فوق الذکر معرفی ننموده، لذا دیوان آنرا به عنوان خواهان تلقی نمی نماید." همچنین ایالات متحده از طرفهای پرونده حاضر نمی باشد.

۵ - خواهان طی اظهاریه‌ای که در ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۴) به ثبت رساند، ادعاهای خود درباره سلب مالکیت و سپرده های بانکی را مسترد نمود. خواندگان با استرداد مزبور مخالفتی نکردند. در نتیجه، فقط دعاوی ناشی از قرارداد و کلبه دعاوی متقابل علیه خواهان، در دیوان مطرح است.

۶ - جلسه استماعی در ۳ مارس ۱۹۸۶ (۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۴) تشکیل گردید.

۷ - دو موضوع شکلی در جلسه استماع مطرح شد. اولین موضوع مربوط به پذیرش یک جلد مدارک مستندی است که خواهان در جلسه استماع در ارتباط با هزینه های برچسب تجهیزات تسلیم کرد. دومین موضوع مربوط به پذیرش لایحه معارضی است در ارتباط با یکی از ادعاهای متقابل که آن نیز توسط خواهان در جلسه استماع تسلیم گردید.

۸ - هر دو لایحه ای که بعد از موقع مقرر تسلیم گردید ناشی از دستور مورخ ۳ دسامبر ۱۹۸۵ (۱۲ آذر ماه ۱۳۶۴) دیوان بود که طی آن به طرفین اطلاع داده شده بود که قبل از برگزاری جلسه استماع هیچ لایحه ای بدون اجازه پذیرفته نخواهد شد. سپس طرفین

درخواست کردند بانها اجازه داده شود مدارکی را به ثبت رسانند و دیوان با درخواستهای فوق موافقت کرد، فقط به خواهان دستور داد نسخه ای از اسناد هزینه برچیدس تجهیزات پیشنهادی خود را در جلسه استماع تسلیم کند، تا دیوان بعداً درباره پذیرش آن نظر دهد.

۹ - لایحه معارض فوق الذکر، حاوی مدارک جدیدی نبوده و صرفاً خلاصه پاسخ به مطالبی می باشد که وزارت راه و ترابری در تایید ادعاهای متقابل خود با اجازه دیوان در ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۴) به ثبت رسانده بود. چون لایحه خواهان حاوی مطالبی بیشتر از استدلال کتبی که وی می توانست شفاهاً در جلسه استماع ارائه کند نبود، لذا دیوان تصمیم می گیرد آنرا بپذیرد.

۱۰ - اسناد مربوط به هزینه برچیدس تجهیزات که خواهان طی درخواست خود پیشنهاد کرده بود آنرا در ۱۷ فوریه ۱۹۸۶ (۲۸ بهمن ماه ۱۳۶۴)، یعنی کمتر از دو هفته قبل از جلسه استماع، تسلیم کند مشتمل است بر مجموعه حجیمی از صورتحسابها و دستورهای پرداخت که قبلاً به صورت نمونه هائی به عنوان مدرک تسلیم شده بود. از آنجا که بخشی از این مدارک تکراری است و قبل از جلسه استماع فرصت جهت تسلیم مطالب جدید و بدون محدودیت به خواندگان داده شده بود، لذا دیوان براین نظر است لایحه مزبور را مورد توجه قرار دهد.

دو - واقعیات

الف - تاریخچه

۱۱ - خواهان اچ ان تی بی یک شرکت مدنی (پارتنرشپ) مهندسی مشاور است. در اواخر سال ۱۹۷۵، وزارت راه و ترابری، اچ ان تی بی را به عنوان نماینده خود جهت

نظارت در طرح ریزی و احداث یک شاهراه شش خطی در ایران از قم به بندر شاپور انتخاب نمود. اچ ان تی بی در صدد یافتن یک شرکت ایرانی جهت اجرای پروژه برآمد، و در مارس ۱۹۷۶ شرکای اچ ان تی بی با شرکت پارس کنسولت محدود که یک شرکت ایرانی بود، شرکت مختلطی بنام اچ ان تی بی - ایران بصورت شرکت ایرانی با مسئولیت محدود تاسیس نمودند. سهامداران اولیه اچ ان تی بی - ایران عبارت بودند از پانزده "شریک طبقه الف" و دو "شریک طبقه ب". شرکای طبقه الف کلاً شرکای اچ ان تی بی و شرکای طبقه ب، نمایندگان پارس کنسولت بودند. شرکای طبقه اول مجتماً ۶۰ درصد از سهام اچ ان تی بی - ایران و شرکای طبقه ب ۴۰ درصد بقیه را در اختیار داشتند.

ب - قرارداد

۱۲ - در ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۶ (۶ مرداد ماه ۱۳۵۵) اچ ان تی بی - ایران و وزارت راه و ترابری قرارداد موسوم به "قرارداد خدمات مهندسی شاهراه بندر شاپور" را بامضاء رساندند. به موجب شرایط قرارداد، قرار بود اچ ان تی بی - ایران طرح و احداث شاهراه را که توسط پیمانکاران دیگر اجرا می شد نظارت و کنترل نماید. وظائف اچ ان تی بی - ایران شامل پنج مرحله بشرح زیر بود: (مرحله یک) مدیریت پروژه، شامل کنترل هزینه و کنترل کیفیت کار، (مرحله دو) مدیریت کارهای طراحی، (مرحله سه) مدیریت امور خرید، (مرحله چهار) مدیریت تجهیز وسایل ساختمانی، (مرحله پنج) مدیریت ساختمان شامل امور مهندسی مشاور و بازرسی. قرار بود مرحله مدیریت پروژه، همزمان با سایر مراحل متوالی خدمات مهندسی مشاور اچ ان تی بی اجرا شود. مراحل دو تا پنج، قرار بود از تاریخ اجرای قراردادهائی که با پیمانکاران جهت اجرای کارهای مربوطه به امضاء می رسد شروع و هر مرحله ظرف ۹۰ روز از تاریخ تکمیل آن مرحله توسط پیمانکار باتمام برسد.

۱۳ - در ازاء خدمات اچ ان تی بی - ایران، قرار بود حق الزحمه ماهانه ای ۵۰ درصد به ریال ایران و ۵۰ درصد دیگر به دلار آمریکا، به شرکت فوق پرداخت گردد. طبق

ماده ۱۱ قرارداد حق الزحمه مزبور شامل چهار قسمت بشرح زیر بود:

- ۱ - حقوق واقعی پرداختی به کلیه کارمندان مهندس مشاور، باضافه
- ۲ - مبلغی معادل حقوق پرداختی فوق بابت فوق العاده معاش و استقرار کارکنان،
- ۳ - مبلغی معادل ۱۶۷ درصد حقوق پرداختی فوق بابت هزینه های عمومی و بالاسری،
- ۴ - حق نظارت عالیه شامل: (الف - حق الزحمه ثابت به مبلغ ۳۷۰،۰۰۰ دلار در ماه در طول مدت برنامه ریزی ساختمانی (مرحله ۲) و ب - حق الزحمه ثابت فوق در طول مدت مدیریت خرید و تجهیز وسائل و عملیات ساختمانی (مراحل ۳، ۴، و ۵) اضافه شده و بالغ بر ۱۹۸،۰۰۰ دلار در ماه گردد.

بدین ترتیب قرار بود که علاوه بر حق الزحمه ثابت ماهانه بابت نظارت عالیه، حقوق واقعی باضافه ضریب ۲۶۷ درصد نیز به اچ ان تی بی - ایران بازپرداخت گردد.

۱۴ - قرار بود ده درصد از کل مبلغ تخمینی حق الزحمه بصورت پیش پرداخت در قبال ضمانت نامه بانکی به اچ ان تی بی پرداخت شود. وزارت راه و ترابری می بایستی ظرف ۳۰ روز از تاریخ وصول هر صورت حساب اچ ان تی بی، وجه آنرا پرداخت نماید، در صورت تاخیر در پرداخت خسارتی به مبلغ ۶ درصد در سال قابل پرداخت می بود.

۱۵ - از هر مبلغی که به اچ ان تی بی - ایران پرداخت می شد ده درصد بابت حسن انجام کار کسر و نگهداری می گردید، و قرار بود به موازات پیشرفت پروژه، درصد فوق تقلیل یافته و پس از تسلیم گزارش نهایی اچ ان تی بی - ایران به آن مسترد گردد. در قرارداد به اچ ان تی بی - ایران اجازه داده شده بود به جای کسور انباشته، ضمانت بانکی ارائه دهد. اچ ان تی بی - ایران سرانجام به چنین اقدامی دست زد، و در مه ۱۹۷۸ ضمانتنامه ای (بشماره ۷۸/۱۳۱۹) به مبلغ ۲۱ میلیون ریال از بانک بین المللی تحصیل نمود. ضمانتنامه فوق بنوبه خود با یک اعتبارنامه اتکالی (به شماره GT6320F)

صادره فرست نشنال بانک او شیکاگو (اف ان بی سی) به نفع بانک بین المللی تضمین گردید.

۱۶ - همچنین وزارت راه و ترابری ۵/۵ درصد بابت مالیات (۱) و ۱۰ درصد دیگر بابت استهلاک بیش پرداخت کسر می نمود.

۱۷ - ضوابطی که اچ ان تی بی در اجرای کار می بایستی رعایت کند در ماده ۱۵ مشخص شده است :

مهندس مشاور باید تعهدات ناشی از این قرارداد را با بکار بردن بهترین روشها و اصول فنی و براساس استانداردهای تخصصی و حرفه‌ای متداول انجام دهد.

مهندس مشاور باید برای انجام وظائف مذکور در این قرارداد حداکثر مهارت، دقت و جدیت را بکار برد.

در قرارداد مقرر شده بود، در صورت وجود عیب و نقصی در کار اچ ان تی بی، وزارت راه و ترابری به شرکت اخطار نموده و به آن فرصت دهد که نواقص و معایب را "طرف مدت متناسبی که در هر صورت نباید از یک ماه و نیم تجاوز کند مرتفع سازد". چنانچه ظرف مدت فوق اقدامات اصلاحی به عمل نمی آمد، قرارداد به وزارت راه و ترابری این حق را می داد که با اخطار کتبی ۱۵ روزه قرارداد را فسخ نماید. در صورت فسخ، وزارت راه متعهد بود نود و پنج درصد از ارزش خدماتی را که تا تاریخ فسخ انجام شده بود، پس از کسر پرداختهای قبلی و خسارات معقول، به اچ ان تی بی - ایران بپردازد.

۱۸ - قرارداد به زبانهای فارسی و انگلیسی تنظیم و در آن بیش بینی شده بود که فقط متن فارسی معتبر و موثق است، همچنین مقرر شده بود که قرارداد تابع قوانین دولت شاهنشاهی ایران می باشد.

(۱) در بند ۲ ماده ۱۳ قرارداد، کسوری بابت مالیات و عوارض طبق الزامات قانونی مقرر شده ولی میزان آن مشخص نشده بود.

۱۹ - قرارداد از ۲۰ نوامبر ۱۹۷۶ (۲۹ آبان ماه ۱۳۵۵) که اچ ان تی بی - ایران پیش پرداختی وصول نمود نافذ و الزام آور گردید. ظاهراً سرانجام دو پیش پرداخت، به مبلغ ۹۹ میلیون ریال و ۲۷ میلیون ریال، پرداخت شد، اچ ان تی بی - ایران اولین پیش پرداخت را طی ضمانتنامه مورخ ۲ مه ۱۹۷۸ (۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) (بشماره ۷۸/۱۳۱۸) به مبلغ ۹۹ میلیون ریال عهده بانک بین المللی تضمین، و اف ان بی سی اعتبارنامه اتکائی مربوطه را (بشماره GT 6320 F) صادر کرد. از سوابق موجود در دیوان روشن نیست که قبلاً ضمانتنامه‌ای تحصیل یا مبلغ ۲۷ میلیون ریال پیش پرداخت تضمین شده باشد.

۲۰ - وزارت راه و ترابری همزمان با امضاء و مبادله قرارداد مزبور قراردادهائی را نیز با کنسرسیومی از شرکتهای مهندسی ("کنسرسیوم") جهت طرح و اجرای پروژه شاهراه منعقد نمود. طبق شرایط قرارداد، قرار بود اچ ان تی بی به عنوان نماینده وزارت راه در محل با کنسرسیوم عمل کند، در حالیکه کنسرسیوم مسئول طرح و خرید و تجهیز و راه اندازی و احداث واقعی شاهراه بود.

ج - بیشرفت کار

۲۱ - در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۶ (۶ مرداد ماه ۱۳۵۵)، یعنی تاریخی که قرارداد با امضاء رسید، وزارت راه و ترابری و کنسرسیوم قراردادی را جهت انجام خدمات مهندسی قطعات الف (قم - اراک) و ج (اندیمشک - بندر شاهپور) شاهراه امضاء و مبادله کردند. قرارداد اخیرالذکر در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۶ (۳۰ آذر ماه ۱۳۵۵) نافذ و لازم الاجرا گردید، و مطالعات مقدماتی و خدمات طرح ریزی را در برمی گرفت. قطعه ب توسط مهندسین مشاور و پیمانکاران دیگر اجرا می شد و مشمول قرارداد فوق نبود. جهت نظارت بر اجرای این کار (مراحل یک و دو قرارداد)، اولین گروه از کارمندان خارجی اچ ان تی بی - ایران در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۷۶ (۴ آذر ماه ۱۳۵۵) وارد ایران شدند، و در ژانویه

۱۹۷۷ تعداد ۲۴ کارمند شرکت فوق مشغول اجرای پروژه در ایران بودند.

۲۲ - در ۴ ژوئن ۱۹۷۷ (۱۴ خرداد ماه ۱۳۵۶) کنسرسیوم و وزارت راه و ترابری قراردادی برای خدمات راه اندازی و تجهیز و احداث قطعات الف و ج و در همان تاریخ، موافقتنامه‌ای برای خدمات خرید مربوط به همان قطعات پروژه امضا و مبادله نمودند. ولی دو قرارداد مزبور فقط از تاریخ تامین اعتبار نافذ و لازم الاجرا بود، که این امر ۹ ماه بعد یعنی در ۲ مارس ۱۹۷۸ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۶) صورت گرفت.

۲۳ - در اکتبر ۱۹۷۷ جهت افزودن قطعه جدید دال (اهواز - خرمشهر) به شاهراه توافق اصولی بعمل آمد. ضمائم قرارداد برای آن منظور در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۸ آبان ماه ۱۳۵۶) امضاء و مبادله شد و بدین ترتیب کارهای اضافی برای کلیه مراحل پروژه بوجود آمد.

۲۴ - تا تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷)، حدود ۷۵ درصد از کار مرحله دوم قطعات الف و ج تکمیل شده بود. کار مربوط به قطعه دال و نیز مراحل ۳ و ۴ تازه شروع می شد. در این وضع پروژه، تعداد کارمندان اچ ان تی بی - ایران بالغ بر ۴۱ نفر می‌گردید.

۲۵ - از ۲ مارس ۱۹۷۸ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۶) با نافذ شدن قراردادهای خرید و راه اندازی و تجهیز به سرعت عملیات افزوده شد. تا پایان ماه ژوئیه ۱۹۷۸ (۹ مرداد ماه ۱۳۵۷) کار مرحله دوم در قطعات الف و ج تقریباً به اتمام رسیده بود. در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۷) کلیه مطالعات مقدماتی تکمیل و تصویب شده بود (فاز یک مرحله دو) و فقط نقشه ها و مشخصات ساختمانی هنوز تکمیل نشده بود (فاز دو). در این زمان، تعداد کارمندان اچ ان تی بی - ایران جمعاً به ۹۷ نفر می رسید.

۲۶ - تا تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۷) با صدور سفارش خرید تجهیزات از خارج از کشور، خرید واقعی شروع شد. گزارش ماهانه پیشرفت کار اچ ان تی بی که در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸ (۷ آذر ماه ۱۳۵۷) تسلیم و شامل ماه منتهی به ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ (اول آبان ماه ۱۳۵۷) می شد نشان می دهد که جمعا* ۱۳۸ کارمند مشغول کار بوده و پیشرفت کار بشرح زیر بوده است:

مدیریت پروژه	(مرحله یک)	%۳۳
طرح و برنامه	(مرحله دو)	(۲) %۹۷ ، (۳) %۶۷
خرید	(مرحله سه)	%۳۵
راه اندازی و تجهیز	(مرحله چهار)	%۵۰
عملیات ساختمانی	(مرحله پنج)	-

۲۷ - تا پائیز ۱۹۷۸، وزارت راه اساسا* کلیه صورتحسابهای اچ ان تی بی - ایران را بطور کامل پرداخت کرد. از سی و چهار صورتحساب اولیه اچ ان تی بی - ایران که جمعا* به ۴۰۰ میلیون ریال بالغ می شد، وزارت راه فقط مبلغ ۱۱۴ ریال را پرداخت نکرده بود. طی این مدت، طرفین درباره قسمتی از فرمول پرداخت مجددا* مذاکره و موافقت نمودند که ضریب صددرصد در مورد فوق العاده زندگی و هزینه راه اندازی و تجهیز خدماتی که توسط پرسنل در ایالات متحده انجام می شد، اعمال نکنند.

(۲) قطعات الف و ج

(۳) قطعه دال

د - تجدید ارزیابی و برچسب کار

۲۸ - در سپتامبر ۱۹۷۸، وزارت راه پروژه شاهراه را مورد تجدید نظر و ارزیابی مجدد قرارداد و طی نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۹ مهر ماه ۱۳۵۷) به اچ ان تی بی - ایران دستور داد که از استخدام و بسیج کارمند بیشتر، اعم از ایرانی و خارجی، خودداری ورزد. اچ ان تی بی دستور فوق را اجرا و تاریخ انتقال دوازده نفر از چهارده نفری را که در همان ایام در حال بسیج بود به تاخیر انداخت. دو نفر دیگر در زمان صدور دستور در راه سفر به ایران بودند. در ۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷) وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران دستور داد که اقداماتی جهت تقلیل کارمندان و فعالیت کنسرسیوم تا میزان ۷۰ درصد قرارداد تجهیز بعمل آورد. طی ماه نوامبر، اچ ان تی بی - ایران به خدمت ۴۵ نفر از کارمندان خود که در آن زمان به ۱۲۲ نفر بالغ می شد خاتمه داد. وزارت راه طی نامه مورخ ۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۱ آذر ماه ۱۳۵۷) به اچ ان تی بی - ایران اطلاع داد که هیچ قرارداد ساختمانی اجرا نخواهد شد. در دسامبر ۱۹۷۸ اچ ان تی بی - ایران به خدمت ۲۶ کارمند دیگر خاتمه داد.

۲۹ - طی این مدت وزارت راه شروع به تعال در پرداخت به اچ ان تی بی - ایران نمود. از صورتحساب شماره ۳۵ مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهر ماه ۱۳۵۷) به بعد وزارت راه فقط قسمتی از وجوه پاره ای از صورتحسابها را پرداخت می نمود. این پرداخت های جزئی به چند صورت انجام گرفت. در بعضی از موارد، اداره امور پروژه شاهراههای وزارت راه صریحاً "از تصویب بعضی از اقلام، مانند ضرایب مربوط به حقوق اضافه کار، خودداری می نمود. در سایر موارد، اداره امور شاهراهها مبلغ صورتحساب را تصویب نموده ولی اجازه پرداخت کامل نمی داد. بالاخره، اداره امور مالی وزارت راه از پرداخت کامل بعضی از مهالغی که اداره امور شاهراههای وزارتخانه تصویب و تجویز کرده بود، خودداری می نمود.

۳۰ - تقریبا* در همان زمان اچ ان تی بی - ایران به عنوان واکنش به شرایط انقلابی حاکم بر ایران، شروع به تخلیه بقیه کارمندان خارجی خود نمود، این تخلیه طی ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۷۹ صورت گرفت. یک کادر کوچک از کارمندان ایرانی، تحت سرپرستی آقای الکس امینی، در ایران باقی ماند. کليه کارمندان خارجی اچ ان تی بی - ایران بااستثنای سه عضو از کارمندان نظارت عالیه، به کشور خود مراجعت نمودند. این سه نفر بناهای ویلیام واکتر، جک تامپسون و روبرت اسمیت، ابتدا به یونان رفتند تا عملیات قرارداد را ادامه دهند. اچ ان تی بی - ایران طی نامه مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) مطالب زیر را باطلاع وزارت راه رساند:

شرایط کنونی در ایران به اندازه‌ای به وخامت گرائیده که کارمندان خارجی ما نمی توانند در امنیت به اقامت خود در ایران ادامه دهند بنابراین تا زمانی که مراجعت به ایران برایشان خالی از خطر باشد، آنها را از ایران تخلیه می کنیم، و انتظار می رود که امر تخلیه را تا ژانویه (غیرخوانا) به انجام برسانیم. این اقدام به موجب ماده ۲۰ (فورس ماژور) قرارداد شماره ۴-۸۵۰۷/۲^(۴) انجام می گیرد.

در این مدت آقای امینی از کارمندان نظارت عالیه ما، عملیات را بنحو شایسته‌ای نظارت خواهد نمود. نامبرده با اعضای کارمندان خارجی ما در تماس خواهد بود، و ما همچنان مسئولیتهای خود مندرج در قرارداد شماره ۴-۸۵۰۷/۲ خود را تا سر حد امکان در شرایط موجود انجام خواهیم داد.

(۴) ماده ۲۰ چنین مقرر می دارد:

در موارد فورس ماژور که انجام قرارداد حاضر را برای هریک از طرفین غیرممکن می‌سازد، طرف ذیربط می تواند ختم قرارداد را به طرف دیگر اعلام کند. در این صورت یک ماه پس از اعلام فسخ قرارداد مهندس مشاور باید صورتحساب شامل مبالغی که باید از طرف کارفرما به او پرداخت شود به کارفرما تسلیم نماید و کارفرما در مدت سی روز تقویمی پس از دریافت صورتحساب فوق آنرا رسیدگی نموده و کلیه مبالغی را که به مهندس مشاور تعلق می گیرد به او پرداخت خواهد نمود.

۳۱ - کارمندان نظارت عالیه که موقتا* در یونان اقامت داشتند سرانجام به ایالات متحده مراجعت کردند. طبق سوگند نامه های آنها، آقای اسمیتم در مارس ۱۹۷۹ و آقای تامپسون در مه ۱۹۷۹ بازگشتند. آقای واگتر گولهی داد که وی در ماه اوت ۱۹۷۹ مراجعت نمود.

۳۲ - خواهان اظهار می دارد که وی در تمام سال ۱۹۷۹ و اوائل سال ۱۹۸۰ کار فاز ۲ مرحله ۲ را ادامه داده. فاز ۲ شامل بررسی و تصویب نقشه های طراحی و ساختمانی محاسبات فنی، مشخصات و برآورد هزینه ساختمان بود که توسط کنسرسیوم تهیه شده بود. اچ ان تی بی، نقشه های ساختمان، گزارشها و برنامه های نهائی شاهراه را در فوریه ۱۹۸۰ (بهمن ماه ۱۳۵۸) در تهران به وزارت راه و ترابری تحویل داد.

۳۳ - قرارداد راه اندازی و تجهیز با کنسرسیوم در اول آوریل (۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸) منقضی و قرارداد خرید آن ظاهرا* در مارس ۱۹۸۰ فسخ شد. در مورد مراحل ۳ و ۴، چنین بنظر می رسد که در زمانی قبل از ۲ مارس ۱۹۸۰ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۸) وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران دستور داد که تا اوائل آوریل ۱۹۸۰ بخدمت بقیه کارمندان خود خاتمه دهد. (۵)

۳۴ - اچ ان تی بی - ایران در ۱۰ مارس ۱۹۸۰ (۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۸) گزارش نهائی خود را به وزارت راه تسلیم نمود.

(۵) در یادداشت مورخ ۲ مارس ۱۹۸۰ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۸) آقای دانشگر، مجری طرح شاهراههای وزارت راه و ترابری، به عنوان آقای امری، معاون امور مالی وزارت مزبور، که طی آن صورتحساب شماره ۶۵ اچ ان تی بی - ایران بابت خدمات مهندسی انجام شده در بهمن ماه ۱۳۵۸ (ژانویه - فوریه ۱۹۸۰) جهت پرداخت ارسال گردیده خاطر نشان شده است که: "به مهندسین مشاور ابلاغ گردیده که نسبت به اخراج کارمندان خود اقدام نماید به نحوی که در نیمه دوم فروردین ماه ۱۳۵۸ کارمندی در اختیار نداشته باشد...". چون فروردین ماه (برابر با مارس - آوریل) اولین ماه سال است، لذا ظاهرا* منظور از فروردین ماه ۱۳۵۸، فروردین ماه سال ۱۳۵۹ یا آوریل ۱۹۸۰ است.

الف - ادعاهای خواهان

۳۵ - بقیه ادعاهای خواهان، که تماماً* بر مبنای قرارداد می باشد، از چهار قسمت تشکیل شده است. اول اینکه خواهان بابت خدماتی که به موجب قرارداد انجام داده حق الزحمه مطالبه می نماید. این ادعا بابت خدمات، هم شامل وجوهی است که جهت آن صورتحساب ارسال گردیده ولی پرداخت نشده، و هم وجوهی که برای آن صورتحساب ارسال نگردیده ولی حسب ادعا لازم التادیه است. دوم اینکه خواهان خواستار استرداد کلهه کسور حس انجام کار می باشد. سوم خواهان خواستار بازپرداخت مبالغی است که جهت تأمین تسهیلاتی به مصرف رسانده که خواندگان به موجب قرارداد ملزم به تأمین آنها بوده اند. چهارم، خواهان هزینه برچهنس تجهیزات را که در ارتباط با فسخ قرارداد متحمل شده مطالبه می نماید.

۳۶ - در این امر اختلافی نیست که این ادعاها کلاً ناشی از قرارداد و در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده اند. کلهه ادعاها مرتبط با روابط قراردادی بین طرفین می باشد که در اوائل سال ۱۹۸۰ به وجود آمد. در این امر نیز اختلافی نیست که وزارت راه و ترابری واحدی تحت کنترل ایران است. بالاخره، دیوان متقاعد شده که اچ ان تی بی یک شرکت مدنی (پارترشیپ) است که در کلهه زمانهای ذیربط تحت قوانین ایالت میسوری تشکیل و موجود بوده و تمام شرکای آن از زمان بروز ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) اتباع ایالات متحده بوده اند. در این امر نیز اختلافی وجود ندارد. بدین ترتیب ادعا مشمول صلاحیت دیوان، طبق تعریف بند یک ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، می باشد.

۳۷ - ولی خواندگان به اهلیت اچ ان تی بی جهت اقامه دعوی از جانب اچ ان تی بی -

ایران اعتراض دارند. اولاً خواندگان استدلال می کنند که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متعلق به شرکتهای ایرانی را ندارد. ثانیاً خواندگان ادعا می کنند که اچ ان تی بی نه در اچ ان تی بی - ایران منافع مالکانه و نه بر آن کنترل دارد.

۳۸ - طبق تعریف مندرج در بند دو ماده ۷ بیابیه حل و فصل دعاوی، "ادعاهای اتباع" که در صلاحیت آن قرار می گیرد شامل موارد زیر است:

ادعاهائی که بطور غیرمستقیم از طریق مالکیت سرمایه یا سایر علائق مالی در مورد اشخاص حقوقی در مالکیت اتباع (ایالات متحده یا ایران) بوده اند، مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه برآن مشروط به اینکه شرکت یا شخص حقوقی خود در چهارچوب این بیابیه حق اقامه دعوی نداشته باشد.

دیوان داوری در پرونده های متعددی نظر داده که نسبت به ادعاهای غیرمستقیم سهامداران ایالات متحده که کنترل شرکتهای واقع در کشورهای ثالث را در اختیار دارند صلاحیت رسیدگی دارد. چون بند ۲ ماده ۷، در تعریف دامنه شمول صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای غیرمستقیم تفاوتی بین شرکتهای ایرانی و شرکتهای کشورهای ثالث قائل نشده، لذا دیوان براین نظر است که ادعای اول خواندگان مبنائی ندارد. بلاکت برادرز کوریپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۵۲/۲۱۵، صفحه ۹ (۶ مارس ۱۵/۱۹۸۶ اسفند ماه ۱۳۶۴)، اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶ صفحات ۳۹-۳۵ (۲۸ اکتبر ۱۶/۱۹۸۵ آبان ماه ۱۳۶۴).

۳۹ - در مورد ادعای دوم خواندگان مدارک موجود نشان می دهد که شرکای اچ ان تی بی سهام اچ ان تی بی - ایران را با وجوهی که توسط شرکت اچ ان تی بی تامین شده بود،

خریداری نموده و آنرا به عنوان نمایندگان اچ ان تی بی در دست داشتند. در هر یک از اظهاریه های مالکیت که در همان زمان تامین سرمایه تهیه گردیده، ذکر شده است که "کلیه وجوه سرمایه گزاری" توسط اچ ان تی بی تامین گردیده، و اچ ان تی بی "مالک واقعی سهام منافع حاصله از آن است" و "هر یک از سهامداران" نیابتاً از طرف اچ ان تی بی مالک قانونی می باشد". علاوه بر این در گزارش یک موسسه حسابرسی سرمایه گزاری اچ ان تی بی در اچ ان تی بی - ایران تایید گردیده که تامین سرمایه جهت خرید سهام مزبور از طریق چک نقدی شرکت مدنی اچ ان تی بی انجام گرفته است. مدارک موجود همچنین حاکی از آنستکه شرکای اچ ان تی بی همچنان این سهام را در اختیار دارند، چون سهامدارانی که (ایران) را ترک کردند سهام خود را یا به شرکای جدید یا به شرکا اچ ان تی بی که در ایران مانده بودند منتقل نمودند.

۴۰ - این موضوع که در زمان بروز ادعا، اچ ان تی بی کنترل اچ ان تی بی - ایران را در دست داشته، نه تنها از ۶۰ درصد سهام سرمایه آن، بلکه همچنین از اساسنامه اچ ان تی بی - ایران و موافقتنامه مشارکتی که بین اچ ان تی بی و شرکای پارس کنسولت منعقد شده، روشن می گردد. در اسناد مزبور مقرر گردیده که اچ ان تی بی - ایران باید توسط یک هیئت اجرایی سه نفره انتخابی اداره شود، که دو عضو آن، منجمه رئیس هیئت مدیره می بایستی از شرکای طبقه الف (یعنی اچ ان تی بی) باشند.

۴۱ - تحت این شرایط، دیوان بر این نظر است که اچ ان تی بی، به لحاظ منافع مالکیت خود در اچ ان تی بی - ایران و کنترل آن اهلیت دارد که ادعای غیرمستقیم مربوط به قرارداد را علیه وزارت راه و ترابری اقامه نماید. طبق قوانین ایالات متحده که حاکم بر روابط هر یک از شرکای اچ ان تی بی با شرکت مدنی آنها می باشد، اموالی که با وجوه شرکت تحصیل گردیده اموال شرکت محسوب می گردد، مگر اینکه قصدی خلاف آن آشکار شود. Uniform Partnership Act, Section 8(2).

همچنین رجوع کنند به:

60 Am. Jur. 2d Partnership §92 (1972).

در این مورد قصد شرکای ایالات متحده آشکارا این بوده که اچ ان تی بی مالک سهام اچ ان تی بی - ایران باشد. حتی چنانچه این منافع مالکانه فقط به عنوان حق انتفاع تلقی شود، باز هم دیوان اهلیت مالکین منافع یک ادعا را در اقامه آن ادعا در دیوان در مواردی که مالکین قانونی صرفاً "بعنوان نماینده عمل می کنند به رسمیت شناخته است. مثلاً رجوع کنند به اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن، مذکوره در فوق صفحه ۳۹.

۴۲ - مسئله ای که باقی می ماند اینستکه آیا اچ ان تی بی در مقام خواهان غیرمستقیم، حق دارد صددرصد ادعای اچ ان تی بی - ایران را وصول نماید یا اینکه مبلغ وصولی آن محدود به نسبت منافع آن در اچ ان تی بی - ایران می باشد. در این رابطه خواهان دو استدلال بنحو تظییری ارائه داده است. اولاً، خواهان ادعا می کند، که طبق بیانیه حل و فصل دعاوی حق دارد ادعای اچ ان تی بی - ایران را که غیرقابل تفکیک است اقامه نماید، و لذا باید ۱۰۰ درصد ادعا را وصول نماید. استدلال دیگر خواهان این است که چنانچه دیوان نظریه وصول براساس تناسب را اختیار کند در آنصورت مبلغ وصولی خواهان نباید صرفاً "محدود به منافع مالکانه اش، بدان نحو که سهم شرکت آن در سرمایه شرکت نشان می دهد باشد، بلکه دیوان باید روش قابل انعطاف تری در تعیین میزان "علاقه مالکانه" اتخاذ و حکم باعطای مبلغی به نسبت سرمایه گزاری کلی خواهان در شرکت، منجمله دیون و سایر سرمایه گزاریها و نیز سرمایه سهام شرکت صادر نماید.

۴۳ - در پرونده ریچارد دی هارزا و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲ (۲ مه ۱۹۸۶/۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) بند ۳۲، دیوان چنین نظر داد: با توجه به جمع جهات، حداقل در مواردی که خواهانها اثبات نکرده اند که قانوناً "متعهدند هر مبلغی که احتمالاً وصول کنند به شرکت بپردازند... محتاط ترین تصمیمی که دیوان می تواند بگیرد این است که... مبلغ وصولی آنها را محدود به میزانی (از واحد خارجی)

نماید که اتباع ایالات متحده طی فاصله بین تاریخ بروز ادعا و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مالک هارزا اینترنشنال بوده یا به منظور رسیدگی حاضر در تملک خواهانها بوده و یا به آنها واگذار شده است... عامل تعیین کننده در این نتیجه گیری این است که دیوان نمی تواند خواهانها را وادار کند مبالغ حکم را با شرکت یا سایر سهامداران تسهیم کنند.

در پرونده حاضر خواهان چنین مدرکی ارائه نداده است. بلکه پیشنهاد کرده مبلغ حکم را بطور امانی برای سهامداران اچ ان تی بی - ایران، منجمله دو سهامدار طبقه ب ایرانی آن، در اختیار بگیرد ولی خواندگان اظهاریه رسمی مورخ سپتامبر ۱۹۸۲ این افراد را تسلیم نموده اند که طی آن نامبردگان اظهار داشته اند "اقرار اعتراف و اعلام می داریم که شرکت مذکور (اچ ان تی بی - ایران) از وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران هیچگونه طلب و یا ادعائی ندارد. هرگونه ادعائی بهر عنوان که باشد از نظر اینجانبان مردود بوده و غیرقابل استماع است" تحت شرایط پرونده حاضر، که شامل ادعای غیرمستقیمی است از جانب یک شرکت ایرانی که سهامداران غیرامریکائی آن ظاهراً از ادعای خود علیه خواندگان صرفنظر نموده‌اند، دیوان بر این نظر است که دلیلی برای وصول کل ادعای شرکت وجود ندارد.

۴۴ - درمورد میزانی که خواهان استحقاق دریافت دارد دیوان ضابطه "علاق مالکانه" را که خواهان پیشنهاد نموده مردود می شناسد و نظر می دهد که خواهان حق دارد فقط به نسبت منافع مالکانه اش در اچ ان تی بی - ایران یعنی ۶۰ درصد از ادعای خویش را وصول نماید. در ضابطه علاق مالکانه که خواهان مطرح و طبق آن خواسته ای نه تنها مبنی بر حقوق مالکیت خود در اچ ان تی بی - ایران، بلکه همچنین براساس بدهی های شرکت به خود مطالبه می نماید، تمایز موجود بین طلب و سهم شرکت و تفاوت های موجود در حقوق صاحبان هر یک از آنها نادیده گرفته می شود. چنانکه قبلاً خاطر نشان گردید صلاحیت دیوان نسبت به دعاوی غیرمستقیم با عبارات "مالکیت سرمایه یا سایر علاق مالی"

بیان شده است. طلبکاران یک شرکت غیرورشکسته هیچگونه منافع یا علائق مالکانه‌ای در آن شرکت ندارند و بدهی شرکت به آنها تاثیری در میزان وصولی آنها بابت دعاوی غیر مرتبط ندارد. در این مورد خواهان مستقیماً "بابت بدهیهای اچ ان تی بی - ایران به خود ادعائی ندارد، لذا می توان نتیجه گرفت که وی نمی تواند بطور غیرمستقیم مبلغی بابت این بدهیها وصول نماید.

ب - ادعای متقابل بانک تجارت

۴۵ - در ادعای متقابل بانک تجارت ادعا شده که دولت ایالات متحده، اف ان بی سی و اچ ان تی بی مشترکاً مسئول زبانهائی هستند که بانک تجارت حسب ادعا به علت خودداری اف ان بی سی از اجابت تقاضای پرداخت وجه دو اعتبار نامه صادره اف ان بی سی که طرف حساب آنها اچ ان تی بی - ایران بوده، متحمل شده است. چنانکه قبلاً خاطر نشان گردید، اعتبارهای فوق بشماره های اف ۶۱۲۰ تی جی و اف ۶۳۲۰ تی. جی، ضمانت های بانکی پیش پرداختها و کسور حسن انجام کار صادره توسط بانک بین المللی را تضمین می نمود. ضمانت های بانکی پیش پرداختها در بادی امر به مبلغ ۹۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال صادر و بعداً به ۶۸۰۰۱۱۰۹۵۶ ریال تقلیل یافت و ضمانت بانکی کسور حسن انجام کار مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بود. بنا بدلائل مذکوره در زیر، دیوان ادعای متقابل علیه کلیه خواندگان متقابل نامبرده را به دلیل عدم صلاحیت رد می کند.

۴۶ - اولاً، هیچیک از خواندگان متقابل نامبرده طرف واقعی ادعای متقابل نیست. در مورد دولت ایالات متحده و اف ان بی سی باید اظهار داشت که ادعاهای متقابل را می توان بنحو صحیحی تنها علیه خواهانها به ثبت رساند، نه علیه طرفهای ثالث. هارزا، در فوق، بند ۸۴، آر ان پامروی و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۰-۵ (۸ ژوئن ۱۹۸۶ / ۱۸ خرداد ماه ۱۳۶۵) صفحه ۱۳. در مورد اچ ان تی بی باید اظهار داشت که نه این شرکت طرف اعتبار نامه می باشد و نه اچ ان تی بی -

ایران، لذا هیچ یک از این دو مسئول آن نمی باشد، تنها متعهد در قبال ذینفع، یعنی بانک بین المللی، عبارتست از بانک صادر کننده یعنی اف ان بی سی. بدین ترتیب، نه اچ ان تی بی و نه اچ ان تی بی - ایران هیچیک صحیحا* طرف ادعائی که مبتنی بر اعتبارنامه می باشد نیست.

۴۷ - ثالثا، ادعای متقابل به نحوی که در بند یک، ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر شده "ناشی از قرارداد فهمابین، معامله یا پیش آمدی که مبنای* ادعائی باشد، نیست. به طوری که دیوان در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ (۱۹ اوت ۲۸/۱۹۸۵ مرداد ماه ۱۳۶۴)، صفحات ۳۹-۴۰، متذکر گردیده:

اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه های بانکی، تعهدات مستقلی بوده و ارتباط به تعهدات اصلی که خود جزئی از آنها می باشند، ندارند. رجوع شود به هارزا اینترنشنال انجینئرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۹۸-۱۹، صفحه ۱۴ (۳۰ دسامبر ۱۹۸۲ / ۹ دی ماه ۱۳۶۱) بدین ترتیب تعهدات بانکها در برابر یکدیگر، متمایز و مستقل از تعهدات طرفین معامله اصلی در برابر یکدیگر است.

در مواردی از قبیل پرونده حاضر که ادعای خواهان منحصر* مربوط به تعهدات طرفین نسبت به تعهد اصلی است، ادعای متقابل مربوط به اعتبارات اسنادی و تعهدات بانکهای مربوطه، از همان قرارداد معامله یا رویداد منشاء ادعا... ناشی نمی شود.

۴۸ - بالاخره، ادعای متقابل بنحو مقرر در بند یک، ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی، در تاریخ این بیانیه یعنی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است. مدارک تسلیمی بانک تجارت حاکی از آنستکه بانک مزبور تا ۳۰ دسامبر ۱۹۸۱ (۹ دی ماه ۱۳۶۰)، پرداخت اعتبارات اسنادی مورد بحث را مطالبه ننموده بود. بدین ترتیب،

بی عدالتی مورد تظلم (یعنی خودداری اف ان بی سی از اجابت تقاضای پرداخت)، قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) بوقوع نییوسته بود که لازمه احراز صلاحیت دیوان است.

ج - ادعاهای متقابل وزارت راه و ترابری

۴۹ - ادعاهای متقابل وزارت راه و ترابری چنانکه در قسمت چهارم - ب حکم حاضر مشروحا* مورد بحث قرار گرفته در سه گروه کلی قرار می گیرند: (۱) ضمانتنامهها (۲) وجود نقص و عیب در انجام کار قراردادی، و (۳) مالیات ها و حقوق تامین اجتماعی.

(۱) - ضمانتنامه ها

۵۰ - اولین ادعای متقابل وزارت راه و ترابری مطالبه مبلغ دو ضمانتنامه ای است که اچ ان تی بی - ایران از بانک کارگزار خود تحصیل و به وزارت راه و ترابری تسلیم نموده ولی آنرا تمدید نکرده است. وزارت راه مسئولیت اچ ان تی بی - ایران را به این امر نسبت می دهد که این شرکت *مسبب* منقضی شدن ضمانتنامه های فوق بوده، و خساراتی به مبلغ ۸۹۰۰۱۱۰۹۵۶ ریال مطالبه می نماید.

۵۱ - دو ضمانت نامه مورد بحث عبارتند از ضمانتنامه های بانکی بشماره های ۱۳۱۸-۷۸ و ۱۳۱۹-۷۸، که بانک بین المللی در قبال اعتبارنامه های اتکائی که مبنای ادعای متقابل بانک تجارت می باشد صادر کرده است. ضمانتنامه های مزبور، طبق شرایط مندرج در آنها در ۳۱ مه ۱۹۸۰ (۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۹) منقضی می گردید و *تمدید آن موکول به درخواست کارفرما (وزارت راه)* بود.

۵۲ - خواهان به صلاحیت دیوان نسبت به این ادعای متقابل اعتراض دارد و استدلال می کند

که اچ ان تی بی طرف ضمانتنامه های بانکی نبوده و ادعای متقابل ناشی از آن همان موضوع هیچیک از ادعاها نیست.

۵۳ - ولی دیوان براین نظر است که نسبت به این ادعای متقابل صلاحیت رسیدگی دارد. چنانچه این ادعای متقابل با دید وسیعتری مورد مطالعه قرار گیرد، ملاحظه می شود که موضوع آن عبارت از این است که اچ ان تی بی - ایران، تعهدات قراردادی خود در مورد نگاهداری ضمانتنامه های بانکی معینی را نقض کرده است. لذا ادعای متقابل ناشی از قرارداد می باشد، که خود منشاء ادعاست.

۵۴ - در ادعای متقابل دوم اظهار شده که اچ ان تی بی - ایران مسئولیت عدم تمدید هفت ضمانتنامه دیگری را که کنسرسیوم تحصیل نموده به عهده دارد. این ضمانتنامه ها شامل هفت فقره ضمانتنامه هائی است که اعضاء کنسرسیوم از شرکتهای بیمه و بانکهای مختلف در ایالات متحده و فرانسه تحصیل نموده اند. تاریخ انقضاء تمام آنها یا اول مارس ۱۹۷۹ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۷) و یا اول مه ۱۹۷۹ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) بوده و بنا به درخواست وزارت راه قابل تمدید بودند و اچ ان تی بی و اچ تی بی - ایران هیچکدام طرف این ضمانتنامه ها نبودند.

۵۵ - وزارت راه نتوانسته نظریه حقوقی روشنی که خولغان یا اچ ان تی بی - ایران را با ضمانتنامه ها مرتبط کند ارائه دهد. علاوه براین در مورد این ادعای متقابل وزارت راه نتوانسته هیچ مدرکی ارائه دهد که نشان دهد اچ ان تی بی - ایران تعهدات قراردادی خود را نقض کرده یا بنحوی مسئول قصور ادعائی کنسرسیوم یا ضامن هایش در تجدید ضمانتنامه های خود بوده است. بدین ترتیب وزارت راه نتوانسته مبنائی برای صلاحیت دیوان ارائه دهد. نتیجتاً* این ادعای متقابل باید مردود شناخته شود.

۲ - اجرای قرارداد بنحو ناقص و معیوب

۵۶ - دومین گروه ادعاهای متقابل وزارت راه، بطوری که در چند «گزارش فنی» تقدیمی به دیوان تشریح گردیده حاکی است که نواقص و معایب مختلفی در شیوه کار اچ ان تی بی - ایران در کلهه مراحل قرارداد وجود داشته است. واضح است که این ادعاهای متقابل از قرارداد فوق که خود منشا این ادعاست، ناشی شده و لذا در حیطه شمول صلاحیت دیوان است.

۳ - مالیات ها و حقوق بیمه اجتماعی

۵۷ - آخرین ادعای متقابل وزارت راه بطور کلی مسئولیت قراردادی اچ ان تی بی - ایران در «پرداخت مالیات، بیمه و سایر کسور قانونی و تسویه حساب در پایان کار» را عنوان می کند. وزارت راه در آخرین لایحه خود این ادعای متقابل را بطور روشن تری تشریح و اظهار می دارد که شامل مطالبه مبلغ ۹۰۲۶۴۰۴۵۰ ریال بابت مالیات و ۱۵۵۰۰۹۸۰۲۰۹ ریال بابت حقوق بیمه اجتماعی می باشد.

۵۸ - در مورد ادعاهای متقابل بابت مالیات و حقوق بیمه اجتماعی (بجز کسور مالیاتی که صریحاً در قرارداد ذکر یا عملاً توسط طرفین اعمال می شد) که در پاسخ به ادعای مهمتی بر قرارداد عنوان می شود، دیوان نظر داده است که این ادعاهای متقابل در صلاحیت دیوان قرار نمی گیرد. دیوان اعلام نظر نموده است که این قبیل ادعاهای متقابل از اجرای قوانین ذیربط مالیات و بیمه اجتماعی ناشی می شوند و نه از قرارداد بنحو مقرر در بند یک، ماده ۲ بهائیه حل و فصل دعاوی. مثلاً رجوع کند به تی سی اس بی، اینکوریوریتد و ایران، حکم شماره ۲-۱۴۰-۱۱۴، صفحه ۲۴ (۱۶ مارس ۲۵/۱۹۸۴ اسفند ماه ۱۳۶۲) (مالیات بردآمد و سهم بیمه اجتماعی)، سهلوانها تکنیکال سیستمز اینکوریوریتد، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، صفحات ۴۱ - ۴۰ (۲۷ ژوئن ۶/۱۹۸۵ تیر ماه ۱۳۶۴) (سهم بیمه های اجتماعی)، اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریوریشن، در فوق صفحه ۲۹ حق بیمه اجتماعی و مالیات آموزش و پرورش، کوستک اینکوریوریتد و وزارت دفاع ملی، حکم

شماره ۱-۵۹-۱۹۱، صفحات ۳۷-۴۰ (۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵ / ۳ مهر ماه ۱۳۶۴) (مالیات بردرآمد، عوارض شهرداری و حقوق بیمه اجتماعی)، جنرال داینامیکز تلفن سیستمز سنتر اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۲۸۵-۱۹۲، صفحه ۲۵ (۴ اکتبر ۱۲/۱۹۸۵ مهر ماه ۱۳۶۴) (مالیات). همچنین رجوع کنید به بهرینگ اینترنشنال اینکورپوریتد و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و سایرین، قرار موقت و اعدادی شماره ۳ - ۲۸۲ - ۵۲ صفحه ۴۳ (۲۱ ژوئن ۳۱/۱۹۸۵ خرداد ماه ۱۳۶۴) (*) برای اینکه ادعای متقابلی بتواند از یک قرارداد ناشی شود، باید بر ادعای نقض تعهدی که آن قرارداد ایجاد کرده است مبتنی باشد. (*)

۵۹ - دیوان ملاحظه می نماید که خواندگان یک لایحه تفصیلی درباره صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای مربوط حق بیمه اجتماعی تسلیم کرده اند. دیوان لایحه کلی مالیاتی را که ایران تسلیم نموده نیز مورد بررسی قراردادده است، ولی هیچیک از استدلالات مندرج در لوائح مزبور نتیجه گیری مغایر با نظر ابرازی در پرونده های فوق را ایجاد نمی نماید.

۶۰ - باید بین ادعای سلب مالکیت و ادعای ناشی از قرارداد وجه تمایزی قائل شد. در مورد سلب مالکیت، جبران خسارت خواهان محدود به ارزش اموالی است که گرفته شده دیوان بمنظور تعیین میزان این ارزش، کلیه قروض و رهن مربوط به اموال، منجمله مالیاتهای معوقه و همچنین سایر بدهی ها را در نظر خواهد گرفت. در این رابطه، مالیات های معوقه بعنوان ادعاهای متقابل تلقی نمی شوند، لذا هیچگونه موضوع صلاحیتی مطرح نیست. از طرف دیگر در مورد ادعا بابت نقض قرارداد، جبران خسارت محدود به خسارات حاصله از آن نقض است. وضع عمومی مالی خواهان، منجمله مسئولیت های مالیاتی و بیمه اجتماعی، ارتباطی به تعیین میزان خسارت نداشته و متاثر از آن نیست. در این رابطه تعهدات مالیاتی تامهین اجتماعی و سایر تعهدات معوقه خواهان را می توان فقط به عنوان ادعای متقابلی تلقی نمود، و نتیجتاً* موضوعات صلاحیتی مطروح می گردد.

۶۱ - شعبه یک این دیوان در حکم اخیر خود در مورد پرونده کامپیوتر ساینسز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ (۱۶ آوریل ۱۹۸۶/۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵)، دلائل مطروح در لایحه مالیات عمومی ایران را بتفصیل مورد بررسی قرارداد. در حکم مزبور بروشنی از تصمیم این شعبه در پرونده تی سی اس بی، اینکورپوریتد، (در فوق) و تصمیم شعبه سه در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن، (در فوق) پیروی شده، بدین مضمون که ادعاهای متقابل بابت مالیات، ناشی از اجرای قوانین مالیاتی ایران می باشد، نه ناشی از قراردادی که منشاء ادعا بوده است. شعبه یک مضافاً نظر داد که از ادعاها، "فقط در صورتی می توان برای تهاثر استفاده کرد که شرایط ادعاهای متقابل را که در بند یک ماده ۲ بیانه حل و فصل دعاوی مقرر گردیده احراز کنند." شعبه یک همچنین اظهار داشت که قوانین مالیاتی را نمی توان "خارج از مرزهای کشور مربوطه اعمال کرد"، و "دعاوی مربوط به اجرای قوانین مالیاتی عموماً فقط در دادگاههای داخلی مربوطه قابل طرح هستند، و شرایط بیانه حل و فصل دعاوی حاوی هیچ قید و شرطی درباره این قاعده عرفی نیست". ما با این نظرات شعبه یک کاملاً موافقیم.

۶۲ - در مورد عوارض تامین اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران استدلال می کند که این عوارض از جهات مختلفه با مالیات تفاوت دارند، و بویژه اصل عدم قابلیت اجرای قوانین درآمد را نباید درباره آنها اعمال نمود، زیرا منظور از قوانین بیمه اجتماعی محدود به حمایت از کارگران بوده و قوانین عمومی درآمد نیستند. جمهوری اسلامی ایران همچنین اظهار می دارد که طبق قوانین ایران، هر یک از خواندگان ایرانی، مانند وزارت راه و ترابری در پرونده حاضر، تعهد دارد بدهیهای پرداخت نشده بابت تامین اجتماعی را که برعهده بیمانکارانش می باشد بپردازد، و لذا چنانچه در حکم دیوان مبالغی که خوانده باید به سازمان تامین اجتماعی بپردازد کسر نشود، وزارت راه باید مبلغ فوق را بصورت مضاعف بپردازد. در استدلال اخیر ظاهراً پیشنهاد می شود که در موقع تعیین مبلغ بدهی وزارت راه به خواهان بموجب قرارداد، بدهی وزارت مزبور به سازمان تامین اجتماعی باید

در نظر گرفته شود. ولی دیوان ملاحظه می کند که اینگونه بدهی های وزارت راه به سازمان تامین اجتماعی ایران، نظیر بدهی خواهان به آن سازمان، نه از قرارداد بلکه از قوانین ایران ناشی شده است. مقررات ذیربط قرارداد فقط این نکته را روشن می سازد که خواهان بلحاظ مالیهات، عوارض گمرکی، بدهیهای تامین اجتماعی یا سایر بدهیهای مربوطه دولتی استحقاق هیچگونه حق الزحمه اضافی ندارد، و این ارقام را وزارت راه طبق الزام قوانین و مقررات از وجوه پرداختی به خواهان کسر خواهد نمود. خود قوانین است که تعهدات را ایجاد و مشخص می نمایند. رویه طرفین تنها این بوده که درصد معینی را از هر یک از صورت حسابها کسر نمایند. تحت این اوضاع و احوال، ادعای تامین اجتماعی در حیطه صلاحیت دیوان قرار نمی گیرد. لذا لازم نیست دیوان درباره قابل اعمال نبودن قوانین که در فوق ذکر شد تصمیم بگیرد.

۶۳ - بنابراین دیوان ادعاهای متقابل بابت مالیهات و حقوق و تامین اجتماعی را بدلیل عدم صلاحیت رد می کند.

چهار - دلایل حکم

الف - ادعاها

۱ - حق الزحمه بابت خدمات انجام شده

۶۴ - بطوری که در دادخواست خواهان ذکر شده، حق الزحمه ای که بابت خدمات انجام شده به موجب قرارداد مطالبه گردیده، بالغ بر ۲۹۹،۱۵۷،۶۹۴ ریال بود. طبق رویه معمول طرفین، مبلغ فوق پس از کسر ۵/۵ درصد بابت مالیهات و بانضمام بهره ای به نرخ ۶ درصد مصرح در قرارداد تا ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) بوده است. (۶) مبلغ فوق شامل ارقام زیر می گردید: ادعاهای بابت صورتحسابهای پرداخت نشده بمبلغ کل

۲۳۴،۵۹۳،۰۶۴ ریاله و ادعاهای بابت خدماتی که انجام شده ولی صورتحسابهای آن ارسال و پرداخت نکرده، بمبلغ کل ۶۴،۵۶۴،۰۰۹ ریاله دادخواست اصلی همچنین شامل ادعایی به مبلغ ۴۷،۰۳۳،۹۵۵ ریاله بود که وزارت راه بابت حسن انجام کار کسر نموده ولی هیچگاه مسترد نکرده بود.

۶۵ - خواهان بعداً* ادعای حق الزحمه خود را تعدیل و اساس آنرا تغییر داد. در این ادعا بصورتی که اینک تنظیم گردیده، مبلغ ۴۲۶،۱۴۳،۹۲۶ ریاله مطالبه شده و این مبلغ علاوه بر کسور بابت حسن انجام کار و بهره ای است که اکنون، بطور جداگانه مطالبه گردیده است. مبلغ فوق نسبت به مبلغی که در صورتحسابها مطالبه شده بود تقلیل جزئی نشان می دهد و این تقلیل بعلت مدارکی است که وزارت راه تسلیم نموده است ولی، نسبت به مطالب صورتحساب نشده ای که مطالبه شده بود افزایش عمده ای را نشان می دهد و این افزایش بعلت اصلاحیه ای است که درخواست شده بود و ذیلاً تشریح می گردد:

الف - مطالب صورتحساب شده

۶۶ - خواهان ادعای خود در مورد صورتحسابها را به سه دسته تقسیم می کند: (۱) حق الزحمه هائی که صورتحساب آن تصویب و تجویز شده اند، (۲) حق الزحمه هائی که صورتحساب و تصویب شده ولی تجویز نشده اند، و (۳) حق الزحمه هائی که صورتحساب شده ولی تصویب و در نتیجه تجویز نشده اند. تفاوت بین این سه دسته در واکنش وزارت راه در قبال این صورتحسابها است و نه در مبنای قراردادی مطالب مورد ادعا.

* زیرنویس شماره ۶ از صفحه قبل

(۶) خواهان برای پرداختهای بعد از موقع مقرر بهره ای به نرخ ۶ درصد که در قرارداد مقرر گردیده محاسبه کرده که از ۴۰ روز بعد از تاریخ واقعی سررسید هر مبلغ پرداختی شروع و تا ۴۰ روز بعد از خاتمه قرارداد یا تا ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) ادامه می یابد. احتساب چهل روز فوق مبنی بر این فرض است که ۱۰ روز برای تحویل هر صورتحساب لازم بوده و موقعی که این مدت توأم با مهلت ۳۰ روزه برای پرداخت مصرح در قرارداد در نظر گرفته شود، بهره بعد از ۴۰ روز، تعلق می گیرد. خواهان برای مدت بعد از تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) نرخ بالاتری برای بهره مطالبه می نماید.

باین دلیل و نیز بدلیل آنکه دفاعیات وزارت راه با این طبقه بندی مغایرت دارد، لذا دیوان این طبقه بندی را در تحلیل این ادعا مورد استفاده قرار نمی دهد. مبلغی که در حال حاضر برای صورتحسابها مطالبه می شود ۱۸۱۰۸۰۴۰۲۴۹ ریال است، که به ترتیب زیر حاصل شده است:

کل مبلغ صورتحساب شده	ریال ۹۲۲۰۹۱۲۰۶۹۸
منهای مبلغ ناخالص پرداخت شده	ریال ۶۶۹۰۴۶۷۰۹۳۶

کل مبلغ ناخالصی	ریال ۲۵۳۰۴۴۴۰۷۶۲
منهای پیش پرداخت تسویه نشده	(۶۰۰۰۶۴۰۹۹۲)
منهای تعدیل مندرج در صورتحساب شماره ۴۵	(۹۹۴۰۳۹۱)
منهای ۵/۵٪ کسور مالیاتی	(۱۰۰۵۸۱۰۲۰۰)

کل مبلغ خالص مورد ادعا	ریال ۱۸۱۰۸۰۴۰۲۴۹
------------------------	------------------

۶۷ - بنظر می رسد که طرفین اساساً با این ارقام موافقتند، هر چند پاره ای اختلافات جزئی وجود دارد. طرفین درمورد مبلغ تسویه نشده پیش پرداخت و تعدیل لازم در صورتحساب شماره ۴۵ توافق، ولی در مورد کل مبلغ صورتحساب شده و مبلغ ناخالص پرداخت شده، اختلاف نظر دارند. دیوان پس از بررسی توضیحات خواهان درباره این اختلافات و توجه به این که جدول بندی وی بر مدارک حسابرسی شده مبتنی است، جدول بندی خواهان را می پذیرد.

۶۸ - ارقام فوق منعکس کننده صورت حسابهایی است که طبق ماده ۱۱ قرارداد تهیه شده، و شامل حق الزحمه نظارت عالیه، حقوق ها (منجمله اضافه کار) و ضرایب حقوقی می باشد. مبلغ مورد ادعا علاوه بر صورتحسابهای مزبور، شامل صورتحساب دیگری جهت تهیه نقشه

تفصیلی شاهرهای ایران ، که حسب ادعا بموجب درخواست وزارت راه بعمل آمده نیز می‌باشد. خواهان اظهار می‌دارد که صورتحساب این کار به وزارت راه ارسال و مورد تصویب وی قرار گرفت ولی هیچگاه پرداخت نگردید. همچنین صورتحسابهای معروف به "ام" نیز در این جدول بندی منظور شده و ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

۶۹ - وزارت راه در مقابل ادعای صورتحساب، دفاعیات چندی مطرح ساخته است. اولاً، در پاسخ به طبقه بندی صورتحسابهای خواهان، وزارت راه منکر آنست که صورتحسابهای تسلیمی را اصولاً تصویب کرده باشد بلکه اظهار می‌دارد که مبالغی فقط بصورت علی الحساب پرداخت نموده است. ثانیاً وزارت راه اظهار می‌دارد که صورتحسابهای خواهان همراه با مدارک و اسناد کافی نبوده از این لحاظ که جداول حقوقی و رسیدها و سایر مدارک مشابه بآنها ضمیمه نشده بوده است. ثالثاً، وزارت راه شکایت دارد که مبلغ حقوق های صورتحساب شده از برآوردهای منضم به قرارداد بسیار بیشتر بوده است.

۷۰ - در مورد ادعای وزارت راه دائر بر اینکه کلیه پرداختهایش بطور علی الحساب انجام گرفته، دیوان ملاحظه می‌کند که چنین کاری در قرارداد تجویز نشده بود و وزارت راه متعهد بوده که صورتحسابها را در موقع سررسید پرداخته و تسویه نماید، و اختیار نداشته که صرفاً پرداخت های موقت بعمل آورد.

۷۱ - در مورد ارائه اسناد و مدارک، بند یک از پیوست چهار که ناظر به مسائل مربوط به صورتحساب و پرداخت می‌باشد، مقرر می‌دارد که حق الزحمه اچ ان تی بی - ایران "براساس جدول تفصیلی حقوق هائی است که از طرف مهندس مشاور عملاً" به کارکنان پرداخت شده. باین مبلغ درصدهای مشخص شده در جدول برآورد حق الزحمه... اضافه می‌شود... بدین ترتیب طبق قرارداد، اچ ان تی بی - ایران ملزم نبوده بسیاری از اسناد و مدارکی را که اکنون مورد تقاضای وزارت راه است ارائه دهد. در مورد

اطلاعات مربوط به حقوق و دستمزد، مدارک حاکی از آنستکه اچ ان تی بی - ایران، اطلاعات مربوط به حقوق را بیوست صورتحسابهای خود می کرده. علاوه براین هیچ مدرکی دال برآن نیست که وزارت راه در زمان اجرای قرارداد در مورد ارائه اسناد و مدارک مربوط به صورتحسابها شکایتی کرده باشد. در واقع بنظر می رسد که وزارت راه، ۳۴ صورتحساب اولیه خواهان را بدون هیچگونه شکایتی پرداخت کرده است. لذا اکنون شکایت وزارت راه قابل قبول نیست.

۷۲ - در مورد برآورد حقوق ها، دیوان ملاحظه می نماید که برآورد حق الزحمه، که آن نیز در بیوست شماره ۴ منظور گردیده چیزی جز یک برآورد نیست. هیچ قید و شرطی در قرارداد، اچ ان تی بی - ایران را نسبت به این مهالغ متعهد نمی سازد. (۷)

۷۳ - علاوه بر دفاعیه های فوق که شامل کلیه صورتحسابها می گردد، وزارت راه دفاعیهایی در مورد صورتحسابهای معینی و طبقه بندی هزینه ها نیز مطرح نموده است که ذیلا تک تک آنها مورد بحث قرار می گیرد.

(۱) اضافه کار

۷۴ - وزارت راه به رویه خواهان درباره تهیه صورتحساب حقوق و ضرایب مربوط به اضافه کار و اضافه پرداخت اعتراض دارد. قسمتی از این اختلاف از مدتها پیش وجود داشته است. از حدود سپتامبر ۱۹۷۸، وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران درباره اضافه کار بیش از حد و اعمال ضرایب حقوق به حق الزحمه اضافه کار اظهار نارضایتی کرده بود. طرفین در سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۸ درباره این مسائل، بحث های مفصلی بعمل آوردند.

(۷) با آنکه بند ۲، صفحه ۴ از بیوست شماره ۴ (متن انگلیسی) مقرر داشته "در صورتی که به مهندس مشاورها کارفرما مشخص شود که مبلغ پرداختی از حق الزحمه بیش بینی شده برای هر مرحله تجاوز خواهد نمود..." (تاکید اضافه شده است) اچ ان تی بی - ایران برآورد تجدید نظر شده ای تهیه خواهد کرد، ولی این بیش بینی، وزارت راه را از پرداخت حق الزحمه اضافی معاف نمی کند.

۷۵ - اج ان تی بی - ایران، طی نامه مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهر ماه ۱۳۵۷)، اصلاحیه‌ای به قرارداد پیشنهاد و بصورت ضمیمه شماره یک، به وزارت راه ارسال داشت. در این ضمیمه فقط ضریب ۱۰۰٪ به اضافه کار، بمنظور جبران هزینه های عمومی و بالاسری اعمال می شد و از تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (اول مهر ماه ۱۳۵۷) نافذ و لازم‌الاجرا می‌بود. در واقع اج ان تی بی - ایران پیشنهاد کرد که از ضریب ۱۰۰٪ مربوط به فوق العاده زندگی و هزینه تجهیز صرفنظر کرده و ضریب را در مورد اضافه کاری از ۱۶۷ درصد به ۱۰۰ درصد تقلیل دهد. این پیشنهاد در کلیه صورتحسابهای اج ان تی بی - ایران بابت مدت ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (اول مهر ماه ۱۳۵۷) تا ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) منعکس شده است. بعد از این تاریخ، هیچ اضافه کاری بعمل نیامد.

۷۶ - ولی ضمیمه پیشنهادی هیچگاه رسماً بامضای طرفین نرسید. بجای آن، وزارت راه در کلیه صورتحسابهایی که بعد از اکتبر ۱۹۷۸ تسلیم شد، ضریبی به میزان ۵۰ درصد نسبت به اضافه کار اعمال نمود. و همچنین کل مهالغ صورتحسابهای شماره ۳۵ و ۳۷ مربوط به دوره ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۸ (اول مرداد ماه ۱۳۵۷) ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۷) را بررسی و تصویب ننمود. اج ان تی بی - ایران طی نامه مورخ ۳ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آذر ماه ۱۳۵۷) نسبت به این "تغییر یکجانبه در قرارداد فیما بین" اعتراض و از وزارت راه تقاضا کرد ضمیمه شماره یک را تصویب نماید.

۷۷ - خواهان اظهار می دارد که مبلغ حکم باید شامل ضریب کامل قراردادی باشد زیرا توافقی خلاف آن وجود ندارد و بنابراین، پرداخت تمامی اضافه کار بعلاوه ۲۶۷ درصد آن را مطالبه می نماید. وزارت راه نسبت به پرداخت هرگونه حق الزحمه مربوط به اضافه کار، اعم از اضافه کار پایه و ضرائب آن، اعتراض دارد. تقسیم بندی اقلام صورتحساب که وزارت راه انجام داده حاکی از اعتراض آن به اقلام مربوط به اضافه کار می باشد، که

بالغ بر ۹۲۰۴۶۲۰۵۲۳ ریال می‌گردد. این رقم هم شامل وجوهی است که وزارت قبلاً بابت اضافه کار پرداخته و هم مبالغی که صورتحساب شده ولی پرداخت نگردیده است.

۷۸ - اولین موضوعی که باید مورد بحث قرار گیرد اینست که آیا بند (۱) ماده ۱۱ قرارداد، که در آن بازپرداخت "حقوق واقعی پرداختی"، پیش بینی شده، به حقوق اضافه کار نیز تسری می‌یابد یا خیر؟ دیوان براین نظر است که قابل تسری است. مفهوم روشن عبارت، شامل کلیه مبالغی می‌شود که به کارمندان بابت خدمات انجام شده عملاً پرداخت می‌گردیده، نه صرفاً "حقوق پایه". نحوه عمل طرفین نتیجه گیری فوق را تأیید می‌کند. وزارت راه تا زمان رسیدگی در این دیوان هیچگاه به پرداخت خود مبالغ اضافه کار اعتراضی نکرده بود بلکه به میزان اضافه کار و اعمال ضرایب کامل به فوق العاده اضافه کار اعتراض داشت. واضح است که وزارت راه و تراپری دریافته بود که متعهد به پرداخت حقوق اضافه کار بوده، و بطور کلی مبالغ فوق را می‌پرداخت.

۷۹ - موضوع بعدی مربوط است به اعمال ضرایب مندرج در قرارداد به حقوق اضافه کار، یعنی ضریب ۱۰۰ درصد بابت فوق العاده زلدگی و هزینه تجهیز و ضریب ۱۶۷ درصد بابت هزینه های بالاسری. به موجب قرارداد، این ضرایب قابل اعمال به کلیه حقوق واقعی پرداختی بوده و قرارداد هیچ تفاوتی بین حقوق پایه و اضافه کار قائل نشده است. دیوان نمی‌تواند استنتاج کند که مواد مربوطه قرارداد در نتیجه توافق بعدی طرفین تغییر یافته باشد. طرفین هیچگاه ضمیمه پیشنهادی اچ ان تی بی - ایران را رسماً مبادله نکردند، و در مورد حذف دو ضریبی که در غیر اینصورت قابل اعمال بودند و یا تقلیل آن تا میزان معین هیچگونه "توافق فکری" وجود نداشت.

۸۰ - چون در این امر اختلافی وجود ندارد که صورتحسابها منعکس کننده آن اضافه کار واقعی است که در اداء خدمات انجام شده طبق قرارداد پرداخت شده، لذا دیوان نظر می‌دهد که اچ ان تی بی - ایران حق دارد کلیه مبالغ صورتحساب شده بابت ضرائب اضافه

کار و هزینه بالاسری را دریافت نماید. موضوع استحقاق اچ ان تی بی - ایران به دریافت ضریب کامل ۲۶۷ درصد نسبت به مبالغی که فقط باضریب ۱۰۰ درصد صورتحساب نموده ذیلاً در ارتباط با مطالبه حق الزحمه های صورتحساب نشده مورد بحث قرار گرفته است.

(۲) نظارت عالیه

دومین موضوع ویژه ای که وزارت راه مطرح ساخته مربوط است به حق الزحمه بابت نظارت عالیه. قرارداد مقرر می دارد که وزارت راه می بایستی بابت "نظارت عالیه"، حق الزحمه ماهانه ثابتی به مبلغ ۳۷,۰۰۰ دلار آمریکا (۲,۵۹۵,۵۵۰ ریال) در طول مرحله اول قرارداد و به مبلغ ۱۹۸,۰۰۰ دلار آمریکا (۱۳,۸۸۹,۷۰۰ ریال) در طول مراحل بعدی به اچ ان تی بی - ایران بپردازد. قبل از ۲ مارس ۱۹۷۸ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۶) یعنی تاریخ نافذ شدن قراردادهای تجهیز و خرید کنسرسیوم، اچ ان تی بی - ایران صورتحسابها را با نرخ پائین تر و از آن تاریخ به بعد با نرخ بالاتر جهت وزارت راه ارسال می داشت. حق الزحمه نظارت عالیه مزبور ظاهراً بابت خدمات مدیران ارشد اچ ان تی بی - ایران بود. اچ ان تی بی - ایران حقوق پرسنل فوق را در گزارشهای حقوق و صورتحسابهای خود جزء حقوق سایر کارمندانش منظور نمی کرد.

۸۱ - در اواخر کار قرارداد، وزارت راه نسبت به پرداخت کامل حق الزحمه نظارت عالیه اعتراض نمود و طی نامه مورخ ۴ فوریه ۱۹۷۹ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۷) به اچ ان تی بی - ایران ابلاغ نمود که مبلغ پرداختی بابت حق الزحمه نظارت عالیه را از رقم مقرر در قرارداد یعنی ۱۳,۸۸۹,۷۰۰ ریال در ماه به ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال در ماه تقلیل می دهد و پرداخت این مبلغ را به نسبت تعداد پرسنل نظارت عالیه که در ایران روی پروژه شاهره کار کنند، تصویب می نماید. وزارت اظهار داشت که مبلغ ۳,۸۸۹,۷۰۰ ریال که از حق الزحمه پایه کاسته "به دلیل نمایندگان و کارگزاران مهندس مشاور در خارج از کشور می باشد که به علت توقف کار وجهی دریافت نخواهند نمود" این روش پرداخت ۱۰ میلیون

ریال حق الزحمه به نسبت تعداد کارکنان نظارت عالیه در ایران در صورتحسابهای شماره ۴۹۰۴۸ و ۵۰ و ۵۳ مربوط به خدمات انجام شده از ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ تا ۲۱ مه ۱۹۷۹ (اول بهمن ماه ۵۷ الی ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) همچنان ادامه داشت. در چهار صورتحساب مذکور، تفاوت بین حق الزحمه نظارت عالیه که توسط اچ ان تی بی - ایران صورتحساب شده، و مبلغ مصوبه وزارت راه، مجموعاً بالغ بر ۳۰۸۸۹۰۷۰۰ ریال می گردد.

۸۲ - در مه ۱۹۷۹ اچ ان تی بی - ایران، ظاهراً در پاسخ به این اقدامات، پیشنهاد کرد که مبلغ کامل ۱۳۰۸۸۹۰۷۰۰ ریال حق الزحمه نظارت عالیه مندرج در قرارداد را به پنج قسمت مساوی (هریک برابر با ۲۰۷۷۷۰۹۴۰ ریال) تسهیم نماید، چون در آن زمان تعداد کارمندان نظارت عالیه پنج نفر بودند. صورتحسابهای بعدی اچ ان تی بی - ایران طبق این پیشنهاد تنظیم شد. اچ ان تی بی - ایران حق الزحمه دو نفر از مدیران را در صورتحساب شماره ۴۸ (مربوط به دوره ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ تا ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ / بهمن ماه ۱۳۵۷) و حق الزحمه یکی دیگر از مدیران را در هر یک از صورتحساب های ۴۹ و ۵۰ و ۵۳ (مربوط به دوره ۲۰ فوریه تا اول ۲۱ می ۱۹۷۹ (تا اول اسفند ۵۷ الی ۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۸) منظور نمود. کله صورتحسابهای مزبور در مه ۱۹۷۹ تسلیم شد. با اینحال وزارت راه بابت حق الزحمه نظارت عالیه مندرج در صورتحساب شماره ۴۸ فقط پرداخت ۴ میلیون ریال و از هر یک از صورتحسابهای شماره ۴۹ ، ۵۰ و ۵۳ پرداخت ۲ میلیون را مورد تصویب قرارداد که نشان می داد حق الزحمه پایه کاهش یافته ۱۰ میلیون ریالی خود را پرداخت می نماید.

۸۳ - از صورتحساب شماره ۵۵، که در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۹ (۲ تیرماه ۱۳۵۸) صادر و شامل دوره ۲۲ مه ۱۹۷۹ تا ۲۲ اوت ۱۹۷۹ (اول خرداد الی ۳۱ مرداد ماه ۱۳۵۸) بود اچ ان تی بی - ایران، بنابه خواست وزارت راه، حق الزحمه نظارت عالیه را از قرار ۲ میلیون ریال برای هر سرپرست، صورتحساب نمود. این رویه تا صورتحساب شماره ۶۶ که

آخرین صورتحساب اچ ان تی بی - ایران و شامل دوره ۲۱ فوریه ۱۹۸۰ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (۲ تا ۲۹ اسفند ۵۸) بود، همچنان ادامه داشت. برخلاف صورتحساب های قبلی که به وسیله آقای واکتر، مدیر عامل اچ ان تی بی - ایران، امضاء شده بود، صورتحسابهای اخیر بامضای آقای امینی، مدیراداری اچ ان تی بی - ایران بوده است.

۸۴ - خواهان کلیه مبالغ حق الزحمه نظارت عالیه را که صورتحساب شده و پرداخت نگردیده و همچنین مبالغ دیگری را که صورتحساب نشده مطالبه می نماید. جنبه اخیر ادعا در ذیل بطور جداگانه مورد بحث قرار گرفته است. وزارت راه به کلیه مبالغ صورتحساب و مطالبه شده اعتراض کرده و اظهار می دارد که اچ ان تی بی - ایران، بعد از عزیمت کارمندان از ایران، هیچ کار قراردادی انجام نداده است. وزارت راه همچنین اظهار می دارد که در قرارداد اجازة کار در خارج از ایران داده نشده است. بالاخره، وزارت راه استدلال می کند که اچ ان تی بی - ایران با انجام تعدیلاتی در حق الزحمه خود موافقت کرده بود.

۸۵ - دیوان داوری تجزیه و تحلیل خود را با ملاحظه این نکته آغاز می کند که در مورد صورتحساب های حق الزحمه نظارت عالیه برای دوره قبل از ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ (اول بهمن ماه ۱۳۵۷) اختلاف نظری وجود ندارد. نسبت به بقیه صورتحسابها که شامل دوره ای از ۱۲ ژانویه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ - ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸) می گردد، دیوان نمی تواند با استدلال خواهان موافقت کند دائر براینکه، صرفنظر از کار واقعا^{*} انجام شده، وی استحقاق دارد بابت تمام ماههای قبل از خاتمه قرارداد، حق الزحمه کامل ماهانه دریافت نماید. بند ۲ از ماده ۲ قرارداد، که وزارت راه و تراپری بدان استناد می کند، چنین مقرر می دارد:

* کارفرما در هر موقع حق خواهد داشت تا حدود معقول و متناسبی خدمات مورد احتیاج را تغییر داده و بعضی خدمات را اضافه یا حذف نماید، در اینصورت مدت قرارداد و حق الزحمه مهندسی مشاور نیز به نسبت کار و هزینه های مربوطه تعدیل خواهد شد.*

این ماده بنحو عام بیان شده، و شامل کلیه حق الزحمه ها، منجمله حق الزحمه نظارت عالیه می گردد. در واقع اگر بند ۲ ماده ۲ فقط در مورد حقوق و ضرایب قابل اعمال می بود وجودش تا اندازه زیادی غیرلازم می بود، زیرا هزینه های مزبور طبق سایر مفاد قرارداد، بطور تلویحی به حدود و مهزآن کار بستگی داشته، و با استخدام و برکناری کارکنان تغییر می نمود.

۸۶ - بدین ترتیب دیوان باید حق الزحمه مناسب برای خدمات نظارت عالیه را که در دوره بین ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (اول بین ۵۷ تا ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸) انجام شده تعیین نماید. دیوان بدواً ملاحظه می کند که اچ ان تی بی - ایران استحقاق دریافت حق الزحمه بابت خدمات خود تا خاتمه قرارداد را دارد، هرچند که قراردادهای تجهیز و خرید کنسرسیوم به ترتیب در آوریل ۱۹۷۹ و اوائل مارس ۱۹۸۰ خاتمه یافت، زیرا ماده ۳ قرارداد، مهلت اچ ان تی بی - ایران جهت اجرای هر مرحله را تا ۹۰ روز بعد از تکمیل همان مرحله توسط کنسرسیوم تمدید نمود. در مورد شیوه محاسبه حق الزحمه، دیوان مضافاً ملاحظه می کند که بند ۲ ماده ۲ از تقلیل هزینه "به نسبت کار انجام شده" و قصد طرفین در تقسیم حق الزحمه نظارت عالیه بر مبنای تعداد کارکنان نظارت عالیه که عملاً مشغول کار قراردادی بوده اند بحث می نماید. لذا دیوان نتیجه می گیرد که چنین روشی برای تعیین حق الزحمه در پرونده حاضر مناسب است: دیوان مضافاً بر این نظر است که مبلغ پایه مناسبی که بابت خدمات مدیران نظارت عالیه مقیم ایران باید تسهیم گردد عبارتست از: مهزآن کامل مقرر در قرارداد یعنی ۱۳۰۸۸۹۰۷۰۰ ریال، و نه ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال که توسط وزارت راه بکار رفته وزارت هیچ نشانه ای ارائه نداده که چگونه به رقم فوق دست یافته است، فقط اشاره می کند که حق الزحمه را بدلیل اینکه پرسنل نظارت عالیه اچ ان تی بی - ایران کشور را ترک کرده بودند، تقلیل داده است. واضح است که این منطق در مورد کارکنانی که در ایران باقی مانده بودند صادق نیست.

۸۷ - درباره تعداد مدیران نظارت عالیه که در فاصله زمانی ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ و ۲۰ مارس

۱۹۸۰ (اول بهمن ماه ۵۷ تا ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸) در ایران بکار اشتغال داشتند ظاهراً* بین طرفین اختلافی وجود ندارد، چون وزارت راه پرداخت حق الزحمه نظارت عالیه را به نسبت تعداد این قبیل کارکنانی که برای آنها صورتحساب ارسال شده بود تصویب نمود هر چند که نرخ پایه آنرا تقلیل داد. نتیجتاً*، دیوان براین نظر است که خواهان حق دارد کلیه مهالغ صورتحساب شده مربوط به حق الزحمه های نظارت عالیه را وصول نماید، زیرا در صورتحساب های مورد اختلاف حق الزحمه نظارت عالیه مندرج در قرارداد، براساس تعداد پرسنل نظارت عالیه که در ایران به اجرای پروژه اشتغال داشتند تقسیم گردیده بود.

۸۸ - ولی دیوان ملاحظه می کند که ۱۰ صورتحساب مربوط به دوره ۲۲ مه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (اول خرداد تا ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸) برای یکتفر از مدیران نظارت عالیه، احتمالاً* آقای امینی، براساس حق الزحمه پایه تقلیل یافته وزارت راه و ترابری، تنظیم شده، و نه با حق الزحمه کاملی که بنظر دیوان اچ ان تی بی - ایران استحقاق آنرا دارد. موضوع مطالبه این تفاوت صورتحساب نشده ذیلاً* مورد بحث قرار گرفته است.

۳ - ایرادات به صورتحسابهای مشخص

۸۹ - وزارت راه علاوه بر ایرادی که به مهالغ صورتحساب شده بابت نظارت عالیه و اضافه کار، نموده چند ایراد خاص به صورتحسابها را نیز مطرح ساخته است. خواهان بسیاری از این ایرادات پذیرفته و برآن اساس ادعای خود را مورد تجدید نظر قرار داده است. بقیه آنها ذیلاً* مورد بحث قرار می گیرد:

الف - صورتحسابهای شماره ۵۷ و ۵۹

۹۰ - وزارت راه بابت صورتحسابهای شماره ۵۷ و ۵۹ خواهان که بترتیب شامل دوره ۲۷ آوریل ۱۹۷۹ تا ۲۵ مه ۱۹۷۹ (۷ اردیبهشت تا ۴ خرداد ماه ۱۳۵۸) و ۲۶ مه ۱۹۷۹ تا

۳۱ اوت ۱۹۷۹ (۵ خرداد تا ۹ شهریور ماه ۱۳۵۸) و کلاً بالغ بر ۶۰۸۰۰۰۶۹۹ ریال می‌گردد، هیچ وجهی پرداخت ننموده است. وزارت راه بدان دلیل به این صورتحسابها ایراد می‌گیرد که صرفاً مربوط به خدماتی می‌شوند که حسب ادعا در ایالات متحده انجام گرفته و اچ ان تی بی - ایران انجام چنین خدماتی را اثبات نکرده است. خواهان این ایراد را اشتباهاً به عنوان ایراد کلی نسبت به انجام خدمات در ایالات متحده تعبیر می‌نماید، و خاطر نشان می‌سازد که اچ ان تی بی - ایران بابت خدمات انجام شده در ایالات متحده بطور عادی و مرتباً صورتحساب برای وزارت راه ارسال نموده، بدون آنکه وزارت اعتراض کرده باشد.

۹۱ - خواهان نسخی از صورتحسابهای مزبور همراه با سوابق کاری حاوی نام کارمندی که حقوقشان در صورتحساب منظور شده، میزان دریافتی و تعداد ساعاتی که کار کرده‌اند و شرح خلاصه سمت در شرکت و سابقه کار آنها را تسلیم کرده است. در نبود مدارک مغایر، این سوابق نشان می‌دهد که کار انجام گرفته است. لذا این صورتحسابها که بالغ بر ۶۰۸۰۰۰۶۹۹ ریال می‌گردد قابل پرداخت می‌باشند.

(ب) صورتحساب شماره ۵۳

۹۲ - وزارت راه به مبلغ ۲۳۸۰۰۸۰ ریال مندرج در صورتحساب فوق مورخ ۲۳ مه ۱۹۷۹ (۲ خرداد ماه ۱۳۵۸) که حسب ادعا نشان دهند هزینه های حقوق و ضریب آن مربوط به شخصی بنام گیلان آژاناسهان می‌باشد، ایراد دارد. وزارت راه ادعا می‌کند که در مدت زمان مربوط به صورتحساب، نامبرده دیگر به کار اشتغال نداشت.

۹۳ - خواهان ادعا می‌کند که نسخه ای از اسناد تاییدی را که همراه با صورتحساب شماره ۵۳ تسلیم وزارت راه نموده، دیگر در اختیار ندارد، و نیز مدعی است که چون وزارت نسخی از این اسناد یا مدارک دیگری را در تایید موضع خود تسلیم ننموده، لذا

دفاعش را باید مردود شناخت.

۹۴ - مدارک حاکی از آنست که وزارت راه پس از وصول صورتحساب، صرفاً بدون ادای هیچگونه توضیحی از تصویب مبلغ حقوقها خودداری ورزید. وزارت راه ظاهراً تا ۳۰ دسامبر ۱۹۸۲ (۹ دی ماه ۱۳۶۱) که پاسخش را در دیوان به ثبت رساند، اطلاعی درباره دلیل اقدام خود در اختیار خواهان نگذارده بود. چون وزارت ذکر علت ایراد خود نسبت به رقم معینی در صورتحساب را برای مدت سه سال بتاخیر انداخته، لذا اثبات و توجیه آنرا هنوز برعهده دارد. وزارت راه اسناد مثبته صورتحساب یا مدارک دیگری در تایید ادعای خود تسلیم نکرده، لذا دفاعش قابل پذیرش نیست. بند یک، ماده ۲۴ قواعد دیوان- همچنین رجوع کنند به:

D. Sandifer, Evidence Before International Tribunals
127 (rev. ed. 1975).

بنابراین دیوان بر این نظر است که مبلغ مندرج در صورتحساب شماره ۵۳ که بآن ایراد گرفته شده و بالغ بر ۲۳۸,۰۰۸۰ ریال می باشد، قابل پرداخت است.

ج - صورتحساب بابت تهیه نقشه

۹۵ - وزارت به صورتحساب نقشه مذکور در بند ۶۵ فوق که بالغ بر ۶,۱۵۸,۶۰۹ ریال می باشد ایراد دارد، و ادعا می کند که وی درخواست و نقشه شاهرها را که خواهان تهیه نموده قراردادی در مورد آن منعقد نکرده است. ولی وزارت راه اظهار نمی دارد که نقشه ها را که صورتحساب بابت آنها ارسال شده دریافت نکرده و همچنین انکار نمی کند که بابت آنها صورتحساب برایش ارسال شده است. خواهان نسخه ای از این صورتحساب را دیگر در اختیار ندارد، ولی این مبلغ از روی یک جدول دست نویس حاوی مبالغ معوقه صورتحساب که مدیر اداری اچ ان تی بی - ایران در ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ (۳ بهمن ماه

۱۳۵۷) بلافاصله قبل از ترک ایران تهیه کرده بود، مشخص شده است.

۹۶ - بند ۲، ماده ۲ قرارداد در مورد خدمات اضافی چنین مقرر می‌دارد: کارفرما در هر موقع حق خواهد داشت تا حدود معقول و مناسبی خدمات مورد احتیاج را تغییر داده و بعضی خدمات را اضافه یا حذف نمایند. در اینصورت مدت قرارداد و حق الزحمه مهندس مشاور نیز به نسبت کار و هزینه مربوطه تعدیل خواهد شد.

خواهان یک یادداشت داخلی مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ (۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۶) از مکالمه تلفنی بین کارمندان اچ ان تی بی و اچ ان تی بی - ایران مربوط به برآورد هزینه چاپ نقشه و جدول زمانی تحویل آن را به عنوان مدرک تسلیم نموده است. در گزارش وضعیت شماره یک مورخ اول سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۷) که اچ ان تی بی - ایران تهیه و جهت وزارت راه ارسال نموده، در مورد طرح تهیه نقشه جهانگردی چنین گزارش شده: "این ماه موریت به موقع و به نحو رضایت بخشی به انجام رسید. کارفرما از این کار بسیار خوشنود است" هیچ مدرکی در دیوان وجود ندارد دایر بر اینکه وزارت راه در زمان دریافت گزارش، ایرادی گرفته باشد، چه باین صورت که تقاضا برای تهیه چنین نقشه ای نکرده و یا اینکه اظهار کرده باشد که صورتحساب را تصویب نخواهد کرد. دیوان از مدارک موجود متقاعد شده که وزارت راه از تهیه نقشه آگاهی داشته و می‌توانسته طبق بند ۲ ماده ۲ قرارداد اجازه تهیه آنرا بدهد. با توجه به وضع خدماتی که خواهان ارائه نموده، وزارت راه نمی‌توانسته انتظار داشته باشد که کار به رایگان انجام خواهد گرفت. بنابراین دیوان بر این نظر است که وزارت راه در قبال هزینه های اضافی که در ارتباط با طرح تهیه نقشه به مصرف رسیده و تا آن حد که انجام این هزینه ها با مدارک موجود اثبات می‌شود، مسئول و متعهد است.

۹۷ - خواهان همچنین صورتحساب خود به عنوان اچ ان تی بی - ایران به مبلغ ۲۰,۰۰۲۴/۵۲ دلار را بابت هزینه هایی که در تهیه و چاپ و ارسال نقشه ها در ایالات متحده متحمل

شده، به عنوان مدرک تسلیم کرده است. مبلغ فوق شامل هزینه کارگر و مصالح و هزینه بالاسری و ۱۰ درصد سود است. در آن زمان مبلغ دلاری معادل ۵۰۵۷۹۰۱۳۱ ریال بود. خواهان نتوانسته کاری را که ظاهراً در ایران انجام گرفته اثبات کند تا مبلغ اضافی بابت خدمات تهیه نقشه که صورتحساب آنرا اچ ان تی بی - ایران جهت وزارت راه ارسال داشته توجیه نماید. نتیجتاً دیوان فقط بابت آن قسمت از صورتحساب اچ ان تی بی - ایران حکم صادر می کند که بر مبنای هزینه انجام کار توسط خواهان در ایالات متحده، می باشد، که بنظر دیوان مبلغ ۵۰۵۷۹۰۱۳۱ ریال است.

(د) صورتحسابهای " ام "

۹۸ - طبق ترتیبات مورد توافق طرفین، اچ ان تی بی - ایران گهگاه از کارمندان وزارت راه جهت انجام خدمات قراردادی استفاده می کرده. اچ ان تی بی - ایران سپس حقوق کارمندان را پرداخته و مبلغ پرداختی را در صورتحساب مخصوص بنام " ام " منظور و به وزارت راه می فرستاده. تعداد شازده صورتحساب از این قبیل ارسال شده. طرفین در مورد مبلغی که وزارت راه بابت این صورتحسابها پرداخته توافق دارند، ولی درباره اینکه آیا مبالغ پرداخت شده معادل کل مبلغ صورتحسابها هست یا خیر با یکدیگر اختلاف دارند. خواهان ادعا می کند که مبلغ ۲۵۸۰۵۳۹ ریال هنوز پرداخت نشده، ولی وزارت راه آنرا قبول ندارد. خواهان اظهار می دارد که نسخ صورتحسابهای ام را دیگر در اختیار ندارد.

۹۹ - وزارت راه مدعی است که مبلغ کل صورتحسابهای شماره ام ۱ تا ام ۱۶ بالغ بر ۱۰۰۱۱۶۰۸۰۰ ریال بوده، در حالیکه خواهان ادعا می کند که رقم صحیح آن ۱۰۰۳۷۵۰۳۳۹ ریال است. هر چند هیچ یک از طرفین نسخ صورتحسابهای مزبور را تسلیم نکرده اند، ولی خواهان جدول دست نویسی حاوی کلمه صورتحسابهایی که در ارتباط با حسابرسی سال مالی ۱۹۸۰ اچ ان تی بی - ایران تهیه گردیده، به ثبت رسانده است. اوراق حسابرسی توسط موسسه پرایس واتر هاوس، حسابرسان اچ ان تی بی - ایران تایید

گردیده و حاکی از آنستکه، صورتحسابهای ام بالغ بر ۱۰۰۳۷۵۰۳۳۹ ریال است، و بدین ترتیب جداول خواهان تأیید می گردد. مبلغ مورد اختلاف یعنی ۲۵۸۰۵۳۹ ریال، دقیقاً معادل مبلغ صورتحساب شماره ام ۷ است که در جدول حسابرسی شده، جزء مبلغ پرداخت نشده منظور شده است.

۱۰۰ - دیوان متقاعد شده که طبق ادعای خواهان تتمه ای بمبلغ ۲۵۸۰۵۳۹ ریال از صورتحسابهای ام هنوز پرداخت نکرده، و دیوان حکم به پرداخت این مبلغ صادر می کند.

(۴) نتیجه

۱۰۱ - در پایان، دیوان وزارت راه را در قبال کلیه صورتحسابهای خواهان مسئول می شناسد. بجز پیش پرداخت مستهلک نشده، تعدیل صورتحساب شماره ۴۵ و قسمت اثبات نشده صورتحساب تهیه نقشه و ۵/۵ درصد کسور مالیاتی. دیوان متقاعد گردیده که مبالغ صورتحساب منعکس کننده خدماتی است که طبق قرارداد انجام شده است. دیوان مضافاً خاطر نشان می سازد که این مبلغ، وزارت راه مبلغ ناخالصی بالغ بر ۱۵۹۰۸۰۲۰۰۲۲ ریال را واقعاً تصویب و تأیید نموده ولی پرداخت نکرده است.

۱۰۲ - معهذاً مبلغ مورد مطالبه بیش از حد واقعی است، چون خواهان ۵/۵ درصد کسور مالیاتی را از مبالغ صورتحساب و پس از استهلاک پیش پرداخت و تعدیل صورتحساب شماره ۴۵ کسر کرده، و نه از مبلغ ناخالص صورتحسابها، که رویه معمول طرفین بوده. روش محاسبه خواهان موجب فرار از مالیات بابت خدمات انجام شده با احتساب پیش پرداخت مستهلک نشده و سایر تعدیلات می گردد. محاسبه صحیح نشان می دهد که وزارت راه مبلغ ۱۷۸۰۹۴۸۰۳۸۱ ریال به اچ ان تی بی - ایران بدهکار است که بطریق زیر محاسبه می شود:

ریال ۲۵۳۰۳۴۴۰۷۶۲	کل مبلغ ناخالص مطالبه شده
• ۵۷۹۰۳۷۸	منهای تعدیل بابت تهیه نقشه
• ۲۵۲۰۸۶۵۰۲۸۴	کل مبلغ ناخالص تعدیل شده
• (۱۳۰۹۰۷۰۵۹۰)	منهای ۵/۵ درصد بابت مالیات
• (۶۰۰۰۶۴۰۹۲۲)	منهای پیش پرداخت مستهلاک نشده
• (۹۴۴۰۳۹۱)	منهای تعدیل در صورتحساب شماره ۴۵

ریال ۱۷۷۰۹۴۸۰۳۸۱ کل مبلغ خالص

۱۰۳ - اظهارات وزارت راه راجع به وجود معایب و نواقص در کار خواهان، ذیلاً در ارتباط با دعوی متقابل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ب - مبالغ صورتحساب نشده

۱۰۴ - قسمت دوم ادعا، بابت خدمات انجام شده طبق قرارداد، مربوط است به حق الزحمهائی که صورتحساب نشده. در این رابطه، خواهان بدواً مبلغ ۶۴،۵۶۴،۰۰۹ ریال مطالبه کرده بود ولی بعداً ادعای خود را اصلاح و مبلغ ۲۵۸،۵۶۰،۵۰۵ ریال دیگر را نیز منظور نمود. ادعای مزبور شامل موارد زیر می گردد: ضرایب فوق العاده اضافه کار صورتحساب نشده مربوط به دوره سپتامبر ۱۹۷۸ تا مه ۱۹۷۹، و حق الزحمه نظارت عالی صورتحساب نشده مربوط به دوره ژانویه ۱۹۷۹ تا مارس ۱۹۸۰.

(۱) اضافه کار

۱۰۵ - چنانکه فوقاً خاطر نشان شد، از اکتبر ۱۹۷۸، اج ان تی بی - ایران هزینه های عمومی و بالاسری را با نرخ ۱۰۰ درصد فوق العاده اضافه کار صورتحساب کرد بدین گمان

طرفین در مورد تعدیل قبیل حق الزحمه ها به توافق رسیده، یا در شرف حصول توافق می‌باشند. خواهان ادعا می‌کند که چون چنین موافقتی حاصل نشده، لذا حق دارد ضریب کامل ۲۶۷ درصد نسبت به کلیه حقوق اضافه کار را دریافت نماید. از آنجا که خواهان در صورتحسابهای شماره ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۵۰ - ۴۸ و ۵۳ (۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ تا ۲۱ مه ۱۹۷۹ اول مهر ۵۷ تا ۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۸)، فوق العاده های اضافه کار را عملاً فقط با ضریب ۱۰۰ درصد منظور داشته، لذا اکنون ادعا می‌کند که ۱۶۷ درصد فوق العاده اضافه کار آن صورتحساب ها طبق قرارداد لازم التادیه بوده ولی پرداخت نشده است. پس از کسر ۵/۵ درصد بابت مالیات، رقم فوق به ۱۷۰۸۹۳۰۵۳۳ ریال بالغ می‌گردد.

۱۰۶ - اچ ان تی بی - ایران در نامه مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهر ماه ۱۳۵۷) و متعاقب آن در نامه مورخ ۳ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آذر ماه ۱۳۵۷) خود اظهار کرده بود که به عنوان اصلاح بخشی از قرارداد پیشنهاد می‌نماید که ضریب فوق العاده اضافه کار به ۱۰۰ درصد تقلیل یابد (وضمیمه قرارداد را نیز به پیوست ارسال کرده بود که از تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ / اول مهر ماه ۱۳۵۷ لازم الاجرا خواهد بود). با وجود این دیوان ملاحظه می‌کند که اچ ان تی بی - ایران تا مه ۱۹۷۹ در صورتحسابهای خود به وزارت راه همچنان ضریب صد درصد را اعمال می‌نمود یعنی مدتها بعد از تاریخی که روشن شده بود که وزارت راه ضمیمه فوق را امضاء نکرده یا بنحوی حتی با ضریب تقلیل یافته موافقت نخواهد نمود. دیوان مضافاً* ملاحظه می‌کند که هر یک از صورتحسابهای مورد اختلاف، همراه با نامه‌ای بود به امضای ویلیام واکتر، مدیر عامل اچ ان تی بی - ایران (تا ژانویه ۱۹۷۹) یا به امضای اشخاص دیگر از طرف نامبرده (بعد از آن تاریخ) باین مضمون که صورتحساب طبق نامه مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهر ماه ۱۳۵۷) تهیه شده که در آن "موافقت خود را با انجام تغییر در ضریب افزایشی که می‌بایستی در مورد فوق العاده اضافه کار اعمال گردد، اعلام کرده‌ایم. تاریخ انجام تغییر ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (اول مهر ماه ۱۳۵۷) خواهد بود.*

۱۰۷ - دیوان همچنین ملاحظه می کند که وزارت راه از سپتامبر ۱۹۷۸ تا مه ۱۹۷۹ قسمتی از وجوه تعدادی از صورتحسابها را پرداخت می کرده، ولی این پرداخت ها نشان می دهد که ضریب ۵۰ درصد نسبت به فوق العاده اضافه کار اعمال می شده. اچ ان تی بی - ایران پرداختهای مزبور را پذیرفته، ولی همچنان صورتحسابهای خود را بر مبنای ۱۰۰ درصد ارائه می داده هیچگاه طی این مدت، اچ ان تی بی - ایران در نامه پیوست صورتحسابها اظهار نداشت که مبالغ پرداختی وزارت راه را تنها به عنوان ایفای جزئی از تعهدات قراردادی آن وزارت تلقی می نماید. همچنین هیچگاه اظهار نکرده که حق خود را نسبت به مبالغی که اکنون مطالبه می نماید صریحا* حفظ می نماید. در واقع برای اولین بار طی اظهاریه ای که در اول ژوئن ۱۹۸۳ (۱۱ خرداد ماه ۱۳۶۲) به ثبت رساند این مبالغ اضافی را مطالبه نمود. دیوان نتیجه می گیرد که نحوه عمل اچ ان تی بی - ایران، بنحو مذکور در فوق، موید آن است که شرکت مزبور بطور یک جانبه پذیرفته است که ضریب فوق العاده اضافه کار به ۱۰۰ درصد تقلیل یابد و از حقوق قراردادی خود نسبت به ضریب اضافی صرف نظر نموده است. بنابراین دیوان ادعا بابت اضافه کار صورتحساب نشده را رد می نماید.

(۲) نظارت عالی

۱۰۸ - خواهان ادعا می کند که وی در طول سال ۱۹۷۹، با نظارت و سرپرستی فعالیتهای پایانی کنسرسیوم، از جمله بررسی طرح نهایی آن در مورد برخی مطالعات مهندسی برای پروژه، به انجام خدمات مهندسی مشاور ادامه داده است. این فعالیت در فوریه ۱۹۸۰، با امضای طرحهای نهایی توسط اچ ان تی بی و ارسال آنها به وزارت راه، به اوج خود رسید. خواهان مضافا* ادعا می کند که وزارت راه تقاضا کرده و پذیرفته بوده که اچ ان تی بی - ایران بعد از عزمیت از ایران به انجام خدمات ادامه دهد و شرکت دستور داده نسبت به خاتمه خدمت کارمندان خود اقدام نماید بطوری که خدمت کلیه کارمندان حداقل از آوریل ۱۹۸۰ خاتمه یابد.

۱۰۹ - خولهاں توضیحا^۸ اظهار می دارد که حق الزحمه نظارت عالیه استحقاقی مدیران نظارت عالیه بابت کار در خارج از ایران در دوره بین ژانویه ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۰، قبلاً صورتحساب نشده، زیرا صورتحسابها توسط کارکنان ایرانی اچ ان تی بی - ایران تهیه می شده که به ماهیت کاری که کارمندان نظارت عالیه در خارج از ایران انجام می دادند و قوف کامل نداشتند. در پادی امر، خولهاں در ازاء این خدمات مبلغ ۳۸۰۸۹۱۰۱۶۰ ریال مطالبه می کرد، که ظاهراً^۹ نرخهای کامل ماهانه مصرحه در قرارداد بوده و بر مبنای تعداد کارکنان نظارت عالیه که در خارج از ایران روی پروژه کار می کردند تسهیم شده است. (۸) خواهان همچنین ۷۰۷۷۹۰۴۰۰ ریال دیگر مطالبه می نماید که عبارت است از تفاوت بین دو میلیون ریالی که برای آقای امینی، ناظر عالی که در تهران باقی ماند صورتحساب شد، و مبلغ ۲۰۷۷۷۰۹۴۰ ریال یعنی یک پنجم سهم کل قیمت قرارداد نسبت به ده صورتحساب گذشته نظارت عالیه در دادخواست اظهار شده که تسهیم مزبور طبق قرارداد الزامی نبوده، ولی جهت همراهی با وزرات راه انجام گرفته است خولهاں در دادخواست خود اظهار می دارد که این حق را برای خود محفوظ می دارد که دادخواست خود را اصلاح کرده و حق الزحمه کامل و تسهیم نشده قراردادی را منعکس نماید.

۱۱۰ - خولهاں طی لایحه مورخ اول ژوئیه ۱۹۸۳ (۱۰ تیر ماه ۱۳۶۲) خویش که با لایحه مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۴) وی تعدیل گردید این اصلاح را بعمل آورد. در لایحه اصلاحی خواهان مطالبه زیر مطالبه گردیده است (۱) ۱۶۰۰۵۶۵۰۹۰۰ ریال دیگر بابت حق الزحمه تسهیم نشده نظارت عالیه، که قبلاً^{۱۰} درخواست نشده بود، بنحویکه حق الزحمه کامل ماهانه مطالبه شده است (۲) مبلغ ۷۰۰۵۹۰۴۴۹ ریال دیگر براساس اعمال حق الزحمه بالاکری برای نظارت عالیه در مراحل ۳ و ۴ به مبلغ ۱۳۰۸۸۹۰۷۰۰ ریال از تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۷۷ (اول شهریور ماه ۱۳۵۶)، یعنی تاریخی که بنا باظهار خولهاں، وزارت راه اجازه داد کار این مراحل آغاز شود، هر چند که قراردادهای تجهیز و خرید

(۸) خولهاں ادعا می کند که ۱۵۲۰۲۰۵ دلار از این مبلغ را می توان به عنوان هزینه برجینی تجهیزات قلمداد نمود.

کنسرسیوم تا تاریخ ۲ مارس ۱۹۷۸ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۶) نافذ نشده بود. خواهان این نرخ بالاتر را تنها بعد از تاریخ نفوذ قراردادهای مذکور، صورتحساب و قبلاً مطالبه نموده بود.

۱۱۱ - در مورد اینکه صلاحیه دادخواست از تاریخ مقدم تری یعنی ۲۳ اوت ۱۹۷۷ (اول شهریور ماه ۱۳۵۶) اعمال و برای حق الزحمه نظارت عالیه مراحل ۵ و ۳ و ۴ محاسبه شود، دیوان نظر می دهد که ادعا مبنا و اساسی ندارد لذا لازم نمی بیند در مورد پذیرش صلاحیه اتخاذ تصمیم نماید. بیوست شماره ۲ قرارداد حاکی از آنست که مراحل ۲ تا ۵ کار اچ ان تی بی - ایران* در زمان شروع تعهدات قراردادی پیمانکار آغاز و تا نود روز پس از خاتمه کارهای پیمانکار و یا اختتام قرارداد وی ادامه خواهد یافت.* بدین ترتیب وزارت راه تعهد قراردادی جهت پرداخت وجه نداشته و اچ ان تی بی - ایران تا تاریخ ۲ مارس ۱۹۷۸ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۶) تعهد قراردادی جهت تأمین خدمات مدیریت خرید و تجهیز نداشته است. البته وزارت راه می توانسته به اچ ان تی بی - ایران اجازه دهد که این قبیل خدمات را به نحو مقدماتی از تاریخ مقدم تری شروع نماید و حق الزحمه آنرا برحسب میزان خدمات انجام شده به اچ ان تی بی - ایران بپردازد، ولی در سوابق امر مدرکی حاکی از اینکه چنین تفاهمی بین طرفین حاصل شده باشد وجود ندارد. علاوه بر این، گزارشهای پیشرفت کار خود اچ ان تی بی - ایران حاکی است که فقط کارهای جزئی مقدماتی در ارتباط با این فعالیتها انجام گرفته. بالاخره صورتحسابهای ارسالی اچ ان تی بی - ایران در همان زمان که در آن نرخ نازلتر مربوط به مرحله ۲ اعمال گردیده، موجب تردید در ادعای کنونی خواهان می گردد که اظهار می دارد از تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۷۷ (اول شهریور ماه ۱۳۵۶) همواره حق دریافت نرخ بالاتری داشته است. تحت این اوضاع و احوال، دیوان چنین نتیجه می گیرد، که اچ ان تی بی - ایران تلویحاً رضایت داده بود خدمات تبیی مراحل سوم و چهارم را، قبل از تاریخ نفوذ قراردادهای مربوطه کنسرسیوم، اجرا کند.

بدون آنکه حق الزحمه مزاد بر نرخ مرحله دوم خود دریافت نماید.

۱۱۲ - در مورد ادعای مربوط به اعمال حق الزحمه کامل نظارت عالیه مربوط به مرحله ۲، بجای تسهیم آن به نسبت هر نفر، دیوان همچنین براین نظر است که استدلال خواهان مبنائی ندارد. همانطوری که فوقاً اظهار نظر شد، وزارت راه حق داشته میزان کار، و به تناسب آن حق الزحمه اچ ان تی بی - ایران بابت نظارت عالیه را تقلیل دهد، و دیوان روش سهم بندی را به عنوان وسیله مناسبی برای محاسبه حق الزحمه لازم التادیه می پذیرد.

۱۱۳ - در مورد ادعا بابت خدماتی که توسط پرسنل نظارت عالیه در خارج از ایران انجام گرفته و صورتحساب نشده، خواهان هیچگونه سوابق کاری یا مدارک دیگری دال بر اینکه طی این دوره خدمات ارزشمندی انجام داده، ارائه ننموده است، برعکس چنین بنظر دیوان می رسد که مدیران نظارت عالیه اچ ان تی بی - ایران در یونان بیشتر صرفاً در انتظار بازگشت به ایران بسر می بردند. خواهان ادعا می کند که این افراد کماکان به نظارت و سرپرستی کارها در ایران ادامه می دادند. لکن صورتحسابهای خود خواهان، این ادعا را رد می کنند. صرف عدم ارسال صورتحساب بابت این خدمات خود دال بر آنستکه ارتباط بهین پرسنل اچ ان تی بی - ایران در یونان و ایران در سطح نازلی بوده است.

۱۱۴ - در مورد ۷،۷۷۹،۴۰۰ ریال مبلغ اضافی صورتحساب نشده، که معادل تفاوت بین ۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال صورتحساب شده برای آقای امینی و مبلغ کامل تقسیم شده ۲،۷۷۷،۹۴۰ ریال در هر ماه می باشد، دیوان براین نظر است که اچ ان تی بی - ایران حق دارد این مبلغ اضافی را وصول نماید. همانطوری که قبلاً خاطر نشان گردید، اچ ان تی بی - ایران در ده فقره از صورتحسابهای آخر خود، مربوط به دوره ۲۲ مه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (اول خرداد تا ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸)، فقط یک پنجم از حق الزحمه نظارت عالیه ۱۰ میلیون ریالی یعنی نرخ نازل وزارت راه را منظور کرده بود و نه یک پنجم از مبلغ کامل مندرج در قرارداد را که دیوان فوقاً وزارت راه را بدهکار دانست. تفاوت ماهانه

۷۷۷۰۹۴۰ ریاله در ده ماه بالغ بر ۷۰۷۷۹۰۴۰۰ ریال می گردد. هیچگونه مدرکی دائر براینکه طرفین در مورد تسهیم و یا تقلیل حق الزحمه ماهانه به توافق دست یافته باشند، تسلیم نگردیده، و با توجه به شرایط حاکم در آن زمان، دیوان نمی تواند صرفاً از صورتحسابها چنین استنتاج کند، که توافقی جهت تقلیل حق الزحمه حاصل شده بوده است.

۱۱۵ - بطور خلاصه، دیوان براین نظر است که اچ ان تی بی - ایران استحقاق دارد بابت حق الزحمه نظارت عالیه که صورتحساب نشده مبلغ ۷۰۷۷۹۰۴۰۰ ریال دریافت نماید. از مبلغ فوق، ۵/۵ درصد بابت مالیات باید کسر شود که در نتیجه مانده بدهی برابر با ۷۰۳۵۱۰۵۳۳ ریال می گردد.

(۳) نتیجه گیری

در پایان، دیوان براین عقیده است که تفاوت حق الزحمه نظارت عالیه که در ده صورتحساب مربوط به دوره ۲۲ مه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (اول خرداد تا ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸) منظور شده و بابت خدمات آقای امینی در تهران می باشد، بعهده وزارت راه است. سایر وجوه صورتحساب نشده مورد ادعا مردود شناخته می شوند.

۲ - ضمانت حسن انجام کار

۱۱۶ - خواهان در دومین ادعای خود، استرداد مبلغ ۶۶،۹۴۶،۷۵۳ ریال را که وزارت راه بابت سپرده حسن انجام کار به موجب بند یک ماده ۱۴ قرارداد کسر کرده مطالبه می نماید. مبلغ این کسور مورد اختلاف نیست. وزارت راه اصولاً نسبت به بازپرداخت کسور حسن انجام کار ابراد دارد و ادعا می کند که کار اچ ان تی بی - ایران ناقص بوده است.

۱۱۷ - دیوان پس از بررسی مدارک موجود باین نتیجه رسیده است که خواهان تعهد مربوط به حسن انجام کار خود را طبق تعریف ضوابط کار در قرارداد، ایفاء نموده است. همانطوری که در بند ب ۲ ذیل در مورد ادعای متقابل بابت عیب و نقص کار، بنحو کاملتری تشریح گردیده، اخله و مدارک، ادعای مغایر وزارت راه را تایید نمی نماید. نتیجتاً، خواهان حق دارد مبلغی را که بابت تضمین حسن انجام کار از پرداختی وی کسر شده مجدداً دریافت نماید. دیوان این قسمت از ادعا به مبلغ ۶۶،۹۳۶،۷۵۳ ریال را تایید می نماید.

۳ - بازپرداخت هزینه های تسهیلات

۱۱۸ - ادعای سوم خواهان به موجب قرارداد بابت استرداد وجوهی است که بمنظور تامین تسهیلات برای کارمندانش بمصرف رسانده، مانند مسکن که حسب ادعا خواندگان به موجب قرارداد متعهد به تامین آنها بودند. مطالبی که مطالبه شده ۲۴،۵۴۷،۲۹۵ ریال می باشد.

۱۱۹ - ادعا براساس ماده ۸ قرارداد می باشد. ماده ۸ وزارت راه را متعهد می سازد که: "کلیه تدابیر لازم را جهت تسهیل کار مهندس مشاور اتخاذ خواهد کرد، منجمله مخصوصاً اینکه پیمانکار قرارداد ساختمان و یا خرید را موظف نماید که پاره ای تسهیلات لازم مانند دفاتر کار، استراحتگاه، و دفاتر در محل خدمت و وسائط نقلیه و... را فراهم نماید." خواهان ادعا می نماید که وزارت راه و پیمانکارانش این مسئولیت را انجام نداده اند، لذا اچ آن تی بی لازم دید راساً این تسهیلات را تامین نماید.

۱۲۰ - طبق اظهار خواهان، مسئله بیشتر بدان علت بروز کرد که کنسرسیوم "تسهیلات لازم" را می بایستی به موجب قراردادهای خرید و تجهیز فراهم نماید. (۱۰) از آنجا که تاریخ نفاذ این قراردادها تا ۲ مارس ۱۹۷۸ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۷)، یعنی مدتها پس از آنکه کنسرسیوم کار را شروع کرده بود، بتاخير افتاد لذا کنسرسیوم نتوانست تسهیلات مزبور را

تامین نماید.

۱۲۱ - وزارت راه تصدیق می کند که کنسرسیوم تعهد داشته تسهیلاتی را برای اچ ان تی بی - ایران فراهم آورد، ولی منکر مسئولیت خود بجهت قصور کنسرسیوم می باشد. وزارت راه استدلال می کند که این هزینه ها را تصویب نکرده و فقط در صورتی مسئول بازپرداخت هزینه های خواهان می بود که خواهان، باستناد بند ۱۲ ماده ۲ قرارداد کنسرسیوم، قبلاً اجازه کتبی کسب می نمود وزارت راه همچنین ادعا می کند که اچ ان تی بی - ایران مبلغی را که اکنون مطالبه می کند، از کنسرسیوم دریافت نموده است. بالاخره وزارت راه ریز ارقام هزینه را درخواست نموده است.

۱۲۲ - دیوان مقرر می دارد که ادعای مربوط به "تسهیلات لازمه" را باید مردود شناخت. به موجب ترتیبات قراردادی، که با اظهارات و تصویب خواهان بعمل آمد، کنسرسیوم مسئول تامین تسهیلات لازمه و در نتیجه بازپرداخت هر مبلغی بوده که خواهان برای این منظور بمصرف رسانده، و وزارت راه مسئول نیست. نحوه عمل طرفین این نتیجه گیری را تأیید می نماید. خواهان هیچ مدرکی ارائه نداده دال براینکه اصولاً از وزارت راه درخواست کرده باشد که به کنسرسیوم دستور تامین تسهیلات لازم را بدهد، و همچنین اثبات نکرده در زمانی که متحمل هزینه بابت تسهیلات لازم شد، قصد آنرا داشته که وزارت راه را مسئول آن بشناسد و در واقع هیچگاه صورتحسابی بابت هزینه تسهیلات لازمه برای وزارت راه نفرستاد. برعکس، از مدارک برمی آید که وی کنسرسیوم را مسئول این امر می دانست. آقای جک تامپسن، مدیر امور اداری وقت اچ ان تی بی - ایران اظهار داشته که " این هزینه ها بطور عادی از طریق کنسرسیوم جهت وزارت راه صورتحساب می شده... " (تاکید اضافه شده است). همچنین چون خواهان اثبات نکرده که وزارت راه وجه

■ زیرنویس شماره ۱۰ از صفحه قبل ■

(۱۰) بند ۱۲ ماده ۲ قرارداد تجهیز کنسرسیوم آنرا متعهد می نماید که "تسهیلات و پشتیبانی برای مشاور و کارمندان کارفرما، برطبق دستور و راهنمایی کارفرما، فراهم نماید."

صورت‌حسابهای مزبور را به کنسرسیوم پرداخت نکرده، لذا جبران خسارت خواهان بر مبنای نظریه تبعی دارا شدن بلاجهت، موجه و مجاز نیست. رجوع کنید به: شائون اند ویلسون، اینکورپوریتد و سازمان انرژی اتمی ایران، حکم شماره ۲-۲۱۷-۲۰۷ (۵ دسامبر ۱۹۸۵/۱۴ آذر ماه ۱۳۶۴) بند های ۲۲ - ۲۱.

۴ - هزینه های برچیدس تجهیزات

۱۲۳ - آخرین ادعای خواهان مربوط است به بازپرداخت هزینه های برچیدس تجهیزات که در ارتباط با خاتمه پروژه متحمل شد. این قسمت ادعاء بمبلغ ۴۴۶،۷۸۹/۷۶ دلار براساس ماده ۱۶(۲) ب قرارداد می باشد. ماده ۱۶(۲) ب چنین مقرر می دارد: چنانچه بهر دلیل و بجز قصور مهندس مشاور، کارفرما تصمیم بگیرد به این قرارداد خاتمه دهد،... در چنین صورتی کارفرما محق به دریافت مهالغ بشرح زیر می باشد:

ب - کلیه هزینه ها منجمله هزینه های تجهیزات ناشی از توافق و تعهدات مهندس مشاور در مقابل کارکنان خود یا سایر موءسسات و همچنین هزینه مسافرت کارکنان خارجی و خانواده و حمل اثاثیه آنها به کشورهای خودشان در تاریخ خاتمه قرارداد و همچنین هزینه تخلیه دفتر مرکزی، مشروط براینکه هزینه های فوق برای اجرای قرارداد انجام شده و مورد تایید کارفرما باشد و مهلغی از این بابت به مهندس مشاور پرداخت نشده باشد...

۱۲۴ - وزارت راه هرگونه مسئولیت هزینه برچیدس تجهیزات را انکار نموده و استدلال می‌کند که وی هیچگاه به قرارداد خاتمه نداده بلکه اچ ان تی بی - ایران کار را رها کرده و رفته است. وزارت راه همچنین این هزینه ها را غیرمستند دانسته و به آن ایراد می‌گیرد، و این سؤال را مطرح می سازد که چرا یک شرکت ایرانی می بایست دفتر کار خود را تعطیل نماید.

۱۲۵ - دیوان براین عقیده است که وزارت راه بنا به مصلحت خود به قرارداد خاتمه داده و لذا طبق ماده ۱۶(۲)ب، اچ ان تی بی - ایران حق دارد هزینه های برچین تجهیزات را دریافت نماید. دستور وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران جهت خاتمه دادی به خدمت کلیه کارکنانش از آوریل ۱۹۸۰، عملاً بمنزله خاتمه قرارداد است.

۱۲۶ - در مورد مبلغی که باید بابت هزینه های برچین تجهیزات مورد حکم واقع شود، دیوان خاطر نشان می سازد که بار اثبات این هزینه ها بدوش طرفی است که آنرا مطالبه می کند، یعنی خواهان، که باید ثابت کند نه تنها هزینه های خاصی را متحمل شده بلکه این هزینه ها در حیطه شمول ماده ۱۶(۲) ب قرارداد است، بدین معنی که هزینه های مطالبه شده ناشی از موافقتنامه ها یا تعهدات اچ ان تی بی - ایران در قبال طرفهای ثالث بوده و بنحو دیگری جبران نشده یا شامل هزینه های مسافرت، نقل و انتقال یا تخلیه بوده است. در این ارتباط، دیوان ملاحظه می نماید که قسمت اعظم مدارک مستند خواهان در اثبات هزینه های مورد ادعا تا تاریخ جلسه استماع تسلیم نشده بود. (۱۱) با این حال خواهان، در مدارک قبلی خود مورخ اول ژوئن ۱۹۸۳ (۱۱ خرداد ماه ۱۳۶۲) که مشتمل بر نمونه صورتحسابها و سایر اسناد بود، ادعای خود را به اقلام مختلف تفکیک نموده بود. وزارت راه هرگز به هیچ یک از مدارکی که در اثبات ادعا بابت هزینه های برچین تجهیزات تسلیم شد، اعتراضی ننمود، و مدارک معارضی ارائه نداد. تحت این شرایط و بمنظور اجتناب از تضییع حقوق خواندگان، دیوان مدارک مستند اضافی را فقط تا آن حد مورد توجه قرار می دهد که مدارک مزبور هزینه هائی را که آشکارا در حیطه شمول ماده ۱۶(۲) می باشد اثبات کرده یا نتوانند بااثبات برسانند. مقایسه کنید با پرونده فلیس داج اینترنشنال کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۱۳۵-۲۱۸- بند ۴۲ (۱۹) مارس ۱۹۸۶ / ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۴ (در مواردی که خواندگان فرصت آنرا دارند صورتحسابهای مورد ادعا را بررسی نمایند، ولی نتوانند ایرادات مستندی ارائه نمایند) چنانچه علی الظاهر معلوم شود که صورتحساب معتبر و قابل پرداخت است، مسئولیت ایشان محرز خواهد بود. (*)

(۱۱) رجوع شود به پاراگراف ۱۰ فوق

۱۲۷ - خواهان ادعای خود بابت هزینه برچینس تجهیزات را به ۹ قلم هزینه بشرح زیر تفکیک کرده است:

	(۱) پرداختهای بابت خاتمه خدمت کارمندان و تسویه حساب نهائی آنها
۱۶۳۰۹۵۲/۱۴ دلار	
" ۱۰۱۰۱۴۶/۷۰	(۲) نقل و انتقال و انبارداری وسایل
" ۹۰۰۳۰۲/۱۵	(۳) مسافرت
" ۲۱۰۶۳۸/۷۵	(۴) هزینه های حفاظت و اموال گمشده
" ۲۲۰۰۷۴/۷۱	(۵) مالیات حقوق
" ۱۹۰۶۰۷/۴۰	(۶) خسارت کارگران
" ۱۶۰۱۸۵/۳۷	(۷) طرح بازنشستگی
" ۶۰۹۲۵/۰۳	(۸) تبدیل ارز
" ۴۰۹۵۷/۵۱	(۹) پرداختهای فوق العاده بابت مال الاجارها

۴۴۶۰۷۸۹/۷۶ دلار

جمع

۱۲۸ - در رابطه با مطالب پرداختی بابت خاتمه خدمت، خواهان موارد زیر را منظور داشته: (۱) "خسارت خاتمه خدمت" که به کارمندان اچ ان تی بی - ایران پرداخت شده (۲) حقوق متعارف که به بعضی از کارکنان نظارت عالی پرداخت گردیده (۳) حقوق کارمندان اداری اچ ان تی بی در ایالات متحده که بر امر "تخلیه" از ایران نظارت داشتند (۴) حقوق آقای امینی، مدیر داخلی اچ ان تی بی - ایران بابت دوره آوریل تا ژوئیه ۱۹۸۰. دیوان ادعای بازپرداخت این هزینه را بمناسبت فقد دلیل کلا مردود می

شناسد. خواهان مدعی است که "خسارات بابت خاتمه خدمت" ناشی از خاتمه قبل از موقع قرارداد بوده، ولی اثبات نکرده که طبق موافقتنامه های استخدامی کارمندان، پرداخت وجوه فوق لازم بوده یا اینکه در هر حال متعهد بپرداخت آن نبوده است. اگر حتی در صورت عدم خاتمه قبل از موقع قرارداد، خسارات خاتمه خدمت پرداخت می‌شد، هزینه آن را باید در ضرایب افزایش حقوق مستهلک شده و بنابراین (حداقل قسمتی از آن را) قبلاً پرداخت شده تلقی نمود. حال اگر قسمتی از این هزینه مستهلک نشده باقی مانده باشد. چون حد و میزان آن را نمی‌توان از سوابق موجود تعیین کرد، لذا دیوان باید ادعا را مردود شناسد. هزینه کارمندان اداری منجمله کارمندان آمریکائی و نظارت عالی، نیز مردود شناخته می‌شود. زیرا خواهان، ارتباط آنها را با امر برچیس تجهیزات اثبات نکرده است. به عنوان مثال خواهان هیچگونه توجیه و دلیلی ارائه نداده که چرا حقوق شش ماهه مارس تا ژوئیه ۱۹۷۹ آقای واکتر را (که ظاهراً طی این مدت به انجام خدمات نظارت عالی اشتغال داشته) به عنوان هزینه برچیس تجهیزات مطالبه کرده است. همچنین این امر که خواهان حقوق اداری کارمندان مستقر در ایالات متحده را به هزینه "تخلیه" ارتباط داده حاکی از آن است که هزینه های فوق بیشتر ناشی از وضعیت فورس ماژور در ایران بوده تا از خاتمه قرارداد. در مورد حقوق آقای امینی، خواهان به اندازه کافی توضیح نداده که آقای امینی در طول چهار ماهه منتهی به ژوئیه ۱۹۸۰ که حقوق برایش مطالبه شده به چه کاری اشتغال داشته است. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که این هزینه بنحو روشنی در حیطه شمول ماده ۱۶(۲) ب قرار نمی‌گیرد.

۱۲۹ - در رابطه با هزینه های نقل و انتقال و انبارداری، دیوان بر این نظر است که پرداختی های خواهان بابت مسافرت، حمل لوازم شخصی از ایران و نیز برخی از اقلام هزینه حمل کالا به ایران در اواخر سال ۱۹۷۸، قبل از آنکه وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران دستور تقلیل تجهیز اضافی را بدهد، قابل بازپرداخت است. هزینه های از نوع اول صریحاً مشمول ماده ۱۶ (۲) می باشد، در حالیکه هزینه های اخیرالذکر ناشی از قرارداد بوده و بنحو دیگری بازپرداخت نکرده است. خواهان همچنین هزینه هایی را مطالبه کرده

که جهت نگهداری لوازم شخصی که کارمندانش هنگام عزیمت اولیه خود به ایران در انبارهایی در ایالات متحده به امانت نهاده بودند و انتقال آن لوازم از انبار، متحمل شده است. ولی طبق ماده ۱۶(۲)ب این هزینه ها قابل وصول نیست، زیرا جزئی از آن در ضریب افزایش حقوق هر کارمند مستهلک می شده. چون دیوان در مورد مدت واقعی و احتمالی استخدام کارمندان خارجی اچ ان تی بی - ایران اطلاعی در دست ندارد، لذا نمی‌تواند درباره آن قسمت از این قبیل هزینه ها که مستهلک نشده، نظری ابراز دارد. بنابراین بنظر دیوان، از ۱۰۱،۱۴۶/۷۰ دلار مورد ادعا در این قسمت، مبلغ ۷۳،۴۶۴/۹۴ دلار بر ذمه وزارت راه و ترابری است.

۱۳۰ - در ارتباط با هزینه مراجعت پرسنل اچ ان تی بی - ایران به ایالات متحده، به نظر دیوان این هزینه ها مسلماً قابل بازپرداخت می باشد. ولی ادعای خواهان شامل هزینه‌های هتل، غذا و سایر مخارجی است که آقایان واکتر و تامپسون در مدت اقامتشان در یونان داشته اند و نیز هزینه ای که به امریکن بل اینترنشنال پرداخت شده و درباره آن توضیحی داده نشده است. هزینه هایی که در ابتدا ذکر شد ناشی از وجود شرایط فورس مازور در ایران بوده و تحت عنوان برچسب تجهیزات قابل بازپرداخت نیستند. ارتباط هزینه های اخیرالذکر با خاتمه قرارداد بنحو روشنی مشخص نگردیده است. بنابراین بنظر دیوان از رقم ۹۰،۳۰۲/۱۵ دلار که بابت هزینه سفر مطالبه شده، مبلغ ۵۹،۱۹۵/۹۹ دلار بر ذمه وزارت راه و ترابری می باشد.

۱۳۱ - ادعا بابت اموال گمشده و هزینه های حفاظت وسایل، شامل وجوهی است که اچ ان تی بی - ایران به پنج کارمند خود بابت سپرده تضمین و مفقود شدن اموال شخصی‌اشان که در ایران یا در حال مسافرت از ایران متعاقب تخلیه آنها رخ داد، بازپرداخت نموده است. خواهان ادعا کرده که طبق قراردادهای استخدامی کارمندان، هزینه های مزبور قابل بازپرداخت بوده، ولی نسخی از قراردادهای آنها را تسلیم نکرده و بنحو دیگری اثبات نکرده که اینموارد در قراردادها پیش بینی شده است. نتیجتاً ادعا به علت فقدان دلیل

رد می شود.

۱۳۲ - سه قلم بعدی هزینه های برچیدس تجهیزات که مطالبه شده، شامل مالیات های حقوق، هزینه های بیمه و سهم طرح بازنشستگی است. این هزینه ها بعنوان مثال شامل مالیات تامین اجتماعی، حق بیمه بیکاری و سایر کسور مالیاتی برای قسمت اعظم سال ۱۹۷۹ است که در پاره ای از موارد تا سه ماهه دوم سال ۱۹۸۰ نیز ادامه یافت. هزینه های بیمه شامل خسارت کارگران در مورد کارمندان ایرانی برای سال ۱۹۷۹ و نیز سایر هزینه های است که درباره آنها توضیحی داده نشده است. چنین بنظر می رسد که هزینه طرح بازنشستگی اساساً شامل مبلفی است که در فوریه ۱۹۷۹ بعنوان سهم سال تقویمی ۱۹۷۸ پرداخت شده، ولی دستور پرداختی که به دیوان تسلیم شده کاملاً خوانا نیست. خواهان نتوانسته نحوه ارتباط این هزینه ها با خاتمه قرارداد را به اثبات رساند. در واقع بنظر می رسد که بسیاری از پرداختها تحت پوشش ضرائب افزایش حقوق که طی دوره ذیربط صورتحساب شده قرار گرفته باشد بنابراین ادعاهای مزبور رد می شود.

۱۳۳ - همچنین ادعا بابت زیانهای ناشی از تبدیل ارز نیز باید رد شود. زیانهای مزبور شامل وجوهی است که به برخی از کارمندان پرداخت گردید که بعد از ترک ایران، در ایالات متحده ریال خود را به دلار تبدیل و از این بابت زیانهای متحمل شده بودند. خواهان، وجود هیچ تعهد قراردادی را جهت پرداخت این وجوه ثابت نکرده است. در هر حال بنظر می رسد که زیانهای فوق ناشی از خاتمه قرارداد نبوده بلکه در نتیجه انقلاب ایران بوده که وزارت راه مسئول آن نیست.

۱۳۴ - آخرین قلم مطالبه شده مربوط است به وجوهی که اچ ان تی بی - ایران در ارتباط قراردادهای اجاره مسکن کارمندان که به علت برچیدس تجهیزات قبل از موعد خاتمه یافت پرداخت کرده است. هزینه های مزبور مستقیماً قابل انتساب به خاتمه قبل از موقع قرارداد بوده و به صورت دیگری بازپرداخت نشده اند. بنابراین، دیوان ادعای مبلغ

۴۰۹۵۷/۵۱ دلار را می پذیرد.

۱۳۵ - بطور خلاصه، دیوان بر این نظر است که وزارت راه و ترابری بابت ادعای هزینه برچینس تجهیزات، مبلغ ۱۳۷۰۶۱۸/۴۴ دلار به اچ ان تی بی - ایران بدهکار است.

۵ - تاریخ تبدیل ارز

۱۳۶ - باستثنای ادعای هزینه برچینس تجهیزات، کلیه ادعاها بر مبنای حق الزحمه و/ یا صورتحسابهایی است که بر حسب ریال تنظیم شده اند. لذا موضوعی که دیوان باید درباره آن تصمیم بگیرد عبارتست از تعیین نرخ مناسبی برای تبدیل این مبالغ ریالی به دلار آمریکا بمنظور صدور حکم پرداخت از محل حساب تضمینی.

۱۳۷ - خواهان استدلال می کند که نرخ ارز باید بر مبنای نرخ باشد که در موقع حق الزحمه مربوطه معمول بوده است. خواهان مدعی است که ادعاهایش بابت خدمات انجام شده قراردادی از اواخر سال ۱۹۷۸ تا اوائل سال ۱۹۸۰ بوجود آمده و نرخ معمول ارز در آن زمان ۷۰/۴۷۵ ریال در ازاء هر دلار بوده است. وی درخواست می کند که این نرخ در مورد کلیه مبالغ لازم التادیه بجز ادعای وی بابت بازپرداخت هزینه تسهیلات لازمه، اعمال گردد. چون این وجوه در دفاتر شرکت براساس نرخ اندکی بالاتر یعنی ۷۰/۶ ریال در ازاء هر دلار محاسبه شده، لذا خواهان نرخ دیگری مطالبه نمی نماید.

۱۳۸ - دیوان ملاحظه می کند که طبق مفاد پیوست ۴ قرارداد، قرار بود نیمی از مبلغ صورتحساب خدمات قراردادی، برحسب دلار آمریکا پرداخت گردد. در مورد ادعای مربوط به حق الزحمه های قراردادی صورتحساب شده ولی پرداخت نشده، دیوان مضافاً ملاحظه می کند که مبلغی که وزارت راه پرداخته به نحو غیر متناسبی برحسب ریال بوده، بطوری که درصد زیادی از وجوه تادیه نشده، برحسب دلار قابل پرداخت بوده. بنابراین طبق

قرارداد، قسمت اعظم مبالغ پرداخت نشده صورتحساب که اکنون مطالبه شده می بایستی بنرخ ارز که در زمان صورتحسابها متداول بوده بدلار تسعیر می شد. در مورد قسمت ریالی که پرداخت نشده، بنظر دیوان محتمل است چنانچه پرداختها بموقع انجام می شد، خواهان تا مارس ۱۹۸۰، یعنی زمانی که قرارداد را پایان یافته تلقی می کرد، قسمت اعظم دریافتی های خود را به دلار آمریکا تسعیر می نمود. با توجه به این شرایط، دیوان مقرر می دارد که نرخ مناسب تبدیل ارز، برای ادعاهای مربوط به صورتحسابها، نرخ است که در موقع سررسید پرداختها در سال ۱۹۷۸ تا آوریل ۱۹۸۰ متداول بوده، یعنی ۷۰/۴۷۵ ریال در ازاء هر دلار.

International Monetary Fund, International Financial Statistics, Supplement on Exchange Rates (1985).

همچنین رجوع کنید به موریس کنودسن پاسیفیک لیمیتد و وزارت راه و ترابری حکم شماره ۱۲۷-۱۴۳-۱۳ ژوئیه ۲۲/۱۹۸۴ تیر ماه ۱۳۶۳ (صفحات ۳۶ - ۳۵) که طی آن مبلغ ریالی که به یک عضو کنسرسیوم برای همان پروژه بدهکار بوده بنرخ ۷۰/۴۷۵ ریال در ازاء هر دلار تبدیل گردید). دیوان تصمیم گرفته که این نرخ تسعیر را در مورد کسور حسن انجام کار نیز اعمال کند. چون دیوان ادعای بازپرداخت هزینه های تسهیلات لازمه را مردود دانسته، لذا لازم نیست پیشنهاد خواهان در مورد نرخ متفاوت تبدیل ارز را مورد بررسی قرار دهد.

۱۳۹ - در رابطه با مبلغ حکم بابت حق الزحمه نظارت عالیه صورتحساب نشده دیوان همچنین مقرر می دارد که نرخ مناسب تبدیل ارز عبارت از نرخ است که در زمان سررسید پرداخت معمول بوده است. ولی این مبلغ تا ۳۰ روز بعد از آنکه اچ ان تی بی - ایران بدهی را به وزارت راه اطلاع می داد لازم التادیه نبود، و این اقدام را خواهان قبل از ثبت ادعایش در دیوان بعمل نیاورده بود. بنابراین دیوان بر این نظر است که نرخ مناسب، عبارتست از ۷۰/۲۹۶ ریال در ازاء هر دلار، که در دسامبر ۱۹۸۱، یعنی یک ماه بعد از آنکه خواهان دادخواست خود را به ثبت رساند، نرخ میانگین بوده است.

۶ - خلاصه

۱۴۰ - بطور خلاصه، دیوان نظر می دهد که وزارت راه و ترابری مبالغ زیر را که به دلار آمریکا تبدیل شده، به اچ ان تی بی - ایران بدهکار است:

دلار	ریال	
۲۰۵۲۴۰۹۸۵/۸۹	۱۷۷۰۹۴۸۰۳۸۱	مبالغ صورتحساب شده
۹۸۰۱۰۵/۸۳	۷۰۷۷۹۰۴۰۰	مبالغ صورتحساب نشده
۹۴۹۰۹۳۶/۱۹	۶۶۰۹۴۶۰۷۵۳	کسور حسن انجام کار
<hr/>		
۳۰۵۷۳۰۰۲۷/۹۱	۲۵۲۰۶۷۴۰۵۳۴	جمع

به مبلغ تبدیل شده فوق، باید ۱۳۷۰۶۱۸/۴۴ دلار که بابت هزینه یرجیس تجهیزات اعطاء شده اضافه گردد، که در نتیجه مجموع آن به مبلغ ۳۰۷۱۰۰۶۴۶/۳۵ دلار بالغ می گردد.

۱۴۱ - همانطوری که فوقاً اظهار شد، خواهان حق دارد ۶۰ درصد از این جمع کل را وصول کند. نتیجتاً دیوان حکمی به مبلغ ۲۰۲۲۶۰۳۸۷/۸۱ دلار بفتح خواهان صادر می نماید.

ب - ادعاهای متقابل

۱۴۲ - اولین ادعای متقابل وزارت راه مربوط است به دو ضمانت نامه بانکی صادره بانک بین المللی جهت تضمین پیش پرداختها و بازپرداخت کسور حسن انجام کار که هر دو طبق مفاد خود منقضی شده اند.

۱۴۳ - دیوان براین نظر است که این ادعای متقابل مبنایی ندارد. حتی بفرض آنکه اچ ان تی بی - ایران بنحوی مسئول قصور بانک تجارت در تمدید یا در پرداخت ضمانتنامهها بوده، وزارت راه در نتیجه آن متحمل خسارتی نشده است. مانده مستهلک نشده پیش پرداخت وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران، و تهاجر آن با مبلغ ناخالصی بدهی های وزارت راه به اچ ان تی بی - ایران بابت صورت حسابها در مباحث فوق مورد بررسی قرار گرفته و بدین ترتیب، تعهد اچ ان تی بی - ایران جهت بازپرداخت مبلغ پیش پرداخت ایفاء شده و هرگونه ضمانت صادره در مورد پیش پرداختها بلااثر خواهد بود.

۱۴۴ - در مورد ضمانتنامه بانکی که جانشین کسور حسن انجام کار شده، دیوان نظر داده که اچ ان تی بی - ایران از عهده ضابطه قراردادی حسن انجام کار برآمده است. بنابراین، بموجب این نظر، خوانده حق برداشت وجه از محل ضمانتنامه فوق را نداشت. لذا این ادعای متقابل در ماهیت رد می شود.

۲ - ادعای متقابل بابت وجود نقص در مدیریت کار بیمانکاران

۱۴۵ - در دسته دوم ادعاهای متقابلی که در لایحه دفاعیه خوانده به ثبت رسیده، ادعا شده که اچ ان تی بی - ایران مسئول خلاف کاریها و عیوب کار بیمانکارانی است که بموجب قراردادهای جداگانه منعقد با وزارت راه عمل می کردند. در این ارتباط وزارت راه مبلغ ۳۱،۱۶۹،۱۲۱ دلار مطالبه می نماید که بعنوان بازپرداخت وجهی است که حسب ادعا جهت خرید ماشین آلات و سایر تجهیزات به بیمانکاران پرداخته ولی هیچگاه دریافت نکرده است. علاوه بر این وزارت راه مبلغ ۴،۳۱۰،۱۸۸ دلار "کمسیون بابت خرید ماشین آلاتیکه بیمانکاران از اعتباری که در اختیارشان گذارده شده بود برداشت کرده اند..." را مطالبه می نماید. بالاخره، وزارت راه درخواست می کند مبلغ ۹،۷۴۰،۰۹۳ دلار (۴۰،۹۹۷،۷۹۳ فرانک فرانسه) و ۲،۱۵۰،۸۴۳،۵۹۱ ریال به عنوان جبران خسارت بابت هزینه های نادرست تامین محل و تجهیزات که "طبق دستور مستقیم خوانده بود" پرداخت

گردد.

۱۴۶ - وزارت راه مدرکی در تایید ادعاهای خود ارائه نداده، بلکه به چند^۲ گزارش فنی^۳ که خود تهیه و طی آن معایب و نواقص کار کنسرسیوم را به اچ ان تی بی - ایران نسبت داده استناد می نماید. اچ ان تی بی - ایران، بعنوان مهندس مشاور، ضامن کنسرسیوم نبوده بلکه چنانکه فوقاً^۴ اشاره شد متعهد بود وظایف خود را^۵ با استفاده از بهترین روشها و اصول فنی جاری و ضوابط و تخصص حرفه ای متداول انجام دهد^۶. وزارت راه نتوانسته ثابت کند که اچ ان تی بی - ایران طبق این ضابطه عمل نکرده است. نتیجتاً^۷، ادعای متقابل بجهت فقد دلیل رد می شود.

پنجم - بهره

۱۴۷ - خواهان نسبت به کلهه مبالغ صورتحساب شده که به موجب قرارداد لازم التادیه بوده بهره ای بنرخ قراردادی ۶ درصد تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخی که به ادعای وی قرارداد خاتمه یافت، مطالبه کرده است. خواهان نسبت باین مبالغ از تاریخ فوق بعهد و همچنین در مورد وجوه دیگر مورد ادعا ۱۲ درصد بهره مطالبه نموده و ادعا می کند که نرخ بهره پیش بینی شده در قرارداد، نسبت به زیان بعد از تکمیل قرارداد و همچنین نسبت به مبالغ صورتحساب نشده قابل اعمال نیست.

۱۴۸ - دیوان نمی تواند با این تفسیر موافقت کند. ماده ۱۲ قرارداد ناظر به پرداخت حق الزحمه ماهانه اچ ان تی بی - ایران، بشرح زیر مقرر می دارد:

(۲) حق الزحمه ماهانه مهندس مشاور حداکثر سی(۳۰) روز پس از دریافت صورتحساب ماه قبل مهندس مشاور بوسیله کارفرما پرداخت خواهد گردید.

(۳) در صورت تاخیر در پرداختها مهندس مشاور محق به دریافت مبلغی معادل شش درصد در سال برای مبلغ قابل پرداخت در مدت تاخیر بعنوان جبران خسارت خواهد بود.

بند (۳) ماده ۱۲، طبق مفاد خود، محدود به دوره نفاذ قرارداد نبوده، و دیوان استنباط چنین محدودیتی را نمی پذیرد. نتیجتاً خواهان حق دارد نسبت به مطالبات مندرج در صورتحساب های خود، بهره ساده ای بنرخ ۶ درصد در سال از ۳۰ روز بعد از دریافت آن توسط وزارت راه دریافت نماید.

۱۴۹ - خواهان مبلغ بهره متعلقه را از ۳۰ روز بعد از تاریخ هر صورتحساب (مدت ده روز جهت وصول صورتحساب توسط وزارت راه در نظر گرفته شده) تا ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) و بنرخ ۶ درصد محاسبه کرده، و وزارت راه به این روش محاسبه ایراد نگرفته است. بنابراین دیوان حکمی به پرداخت بهره ای بمبلغ ۱۰۸۰۷۰۶/۷۷ دلار صادر می نماید که عبارت است از ۶۰ درصد مبلغ محاسبه شده خواهان بعد از اصلاحاتی که دیوان در آن بعمل آورد تا مبلغ صحیح بهره نسبت به مبلغ خالص حکم مربوط به صورتحساب نقشه بدست آید. این مبلغ ثابت بابت مدت زمان مختوم به ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) بوده و باید به مبلغ ۱۰۵۱۴۰۹۹۱/۵۳ دلار که در مورد ادعاهای خواهان بابت صورتحساب حکم شد اضافه گردد. مبلغ ۱۰۶۲۳۰۶۹۸/۳۰ دلار که بدین ترتیب حاصل می شود و شامل بهره تا تاریخ فوق می باشد جهت محاسبه بهره اضافی که می بایستی تا تاریخ حکم تادیه شود، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در مورد ادعا بابت حق الزحمه نظارت عالی صورتحساب نشده که دیوان وزارت راه را مسئول آن شناخت، دیوان حکم به پرداخت بهره ساده ای بنرخ ۶ درصد بنحو مقرر در قرارداد، از تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آذر ماه ۱۳۶۰) یعنی ۳۰ روز بعد از تاریخی که خواهان ادعای خود را در دیوان به ثبت رساند صادر می کند. در مورد بهره به کسور حس انجام کار، دیوان ملاحظه می کند که بازپرداخت کسور فوق در ماده دیگری از قرارداد منظور شده که باماده ۱۲ و مقررات بهره مندرج در آن ارتباط ندارد. با اینحال دیوان

براین نظر است که نرخ بهره مندرج در قرارداد باید در مورد کسور حساس انجام کار نیز اعمال گردد. بنابراین دیوان در مورد کسور فوق حکم به پرداخت بهره ساده‌ای به نرخ ۶ درصد در سال از ۱۸ مارس ۱۹۸۰ (۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸) یعنی تاریخی که به عقیده دیوان کسور فوق می‌بایستی به خواهان بازپرداخت می‌شد، صادر می‌نماید. همچنین نسبت به هزینه‌های مجاز مربوط به پرچیدن تجهیزات، بهره‌ای بنرخ ۶ درصد اعطا می‌شود، ولی تاریخ شروع آن ۲۰ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۸ مهر ماه ۱۳۵۹) خواهد بود یعنی ۳۰ روز بعد از تاریخی که خواهان، حسب اظهار خود کلیه عملیات پرچیدن تجهیزات را به اتمام رسانده است.

ششم - هزینه‌ها

هریک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

هفتم - حکم

۱۵۰ - بنا به دلایل فوق،

دیوان حکمی به شرح زیر صادر می‌نماید:

الف - خواننده، وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران، موظف است مبالغ مشروحه زیر را به خواهان هوارد نیدلز تامین کند برگرداند و برگرداند:

(۱) مبلغ یک میلیون و ششصد و بیست و سه هزار و ششصد و نود و هشت دلار آمریکا و سی سنت (۱,۰۶۲۳,۰۶۹۸/۳۰)، باضافه بهره ساده‌ای به نرخ شش (۶) درصد در سال (براساس سالی ۳۶۵ روز) از اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه

۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد، بابت ادعاهای صورتحساب.

(۲) مبلغ پنجاه و هشت هزار و هشتصد و شصت و سه دلار آمریکا و یازده سنت (۵۸۰۸۶۳/۱۱)، باضافه بهره ساده ای بنرخ شش (۶) درصد در سال (براساس سال ۳۶۵ روز) از ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آذر ماه ۱۳۶۰) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد، بابت ادعاهای صورتحساب نشده.

(۳) مبلغ پانصد و شصت و نه هزار و نصد و شصت و یک دلار آمریکا و هفتاد و یک سنت (۵۶۹۰۹۶۱/۷۱ دلار)، باضافه بهره ساده ای بنرخ شش (۶) درصد در سال (براساس سالی ۳۶۵ روز) از ۱۸ مارس ۱۹۸۰ (۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد، بابت ادعای ضمانت حسن انجام کار.

(۴) مبلغ هشتاد و دو هزار و پانصد و هفتاد و یک دلار آمریکا و شش سنت (۸۲۰۵۷۱/۰۶ دلار)، باضافه بهره ساده بنرخ شش (۶) درصد در سال (براساس سال ۳۶۵ روز) از ۲۰ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۸ مهر ماه ۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی بدهد، بابت ادعاهای برچیدس تجهیزات .

(ب) این تعهد با پرداخت از محل حساب تضمینی که طبق بند ۷ بیانه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح شده ایفاء خواهد گردید.

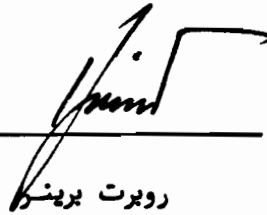
(ج) ادعای متقابل بانک تجارت به علت عدم صلاحیت رد می شود.

(د) ادعاهای متقابل بابت هفت ضمانتنامه مربوط به کنسرسیوم و مالیات و حقوق بیمه اجتماعی که توسط وزارت راه و ترابری مطرح شده به علت عدم صلاحیت رد می شود.

(هـ) بقیه ادعاهای متقابل بدلیل ماهوی رد می شود.

(ز) بدینوسیله این حکم جهت ابلاغ به کارگزار امالی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

لاهور ، بتاريخ ۸ اوت ۱۹۸۶ برابر با ۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۵



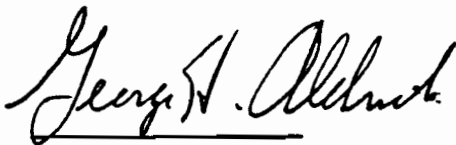
روبرت یهزاری

رئیس شعبه دو

بنام خدا



حمید بهرامی - احمدی
موافق با قسمتی
و مخالف با قسمت
دیگر.



جرج ا.ج. آلدریج